



دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۶۰ بها ۲۰ ریال

انقلاب پرشک
کارگران و زحمتکشان ایران
زیر جمهوری اسلامی رابه
گورستان تاریخ نخواهند سپرد!

کاروان سرخ صدها شهید گمونیست و انقلابی

تاقوس مرگ رژیم رومی نواز

در هفت گذشته بیش از ۲۰۰ گمونیست را انقلابی توسط رژیم شاهتکار جمهوری اسلامی تیرباران نمودند و بدین ترتیب تعداد کل تیرباران شدگان در طی سال گذشته حدود ۲۰۰۰ نفر گردیده است. در میان اعدام شدگان هفت گذشته بیش گمونیست پسکار گرنیز وجود داشتند. اساسی این رفتارها و تدارک:

- ۱- رسول یوسفی ۲- غلامرضا گلچین ۳- موسی داوری ۴- اسحاق فضولی ۵- علی غارباشی منشی

با نشان گرامی و آرمان سرخشان بهبودیاد!

آلترناتیو لیبرالی

تقابل حمایت نیست!

دوره اخیر همه آتی است
در هر صورتی جامعه متوجه
در هر چه برپا و تعلقات نظامی
از زمان نظامین شده است. این
تمامی رویدادها واکنشهای
رئیس قومی در میان نیروهای
ساحسی موجود در جامعه بوده و رده
است. هیئت جامعه کنونی که شایدا
سرپرست است و این حملات نظامی
را منطبقا منوجه فضای خود میبیند
بسیار جویای - تبلیغات سیاسی
در هر چه ای علیه معاهدین دستزده
بر اساس اقدامات شرورها و حملات
بسیاری این هیئت ها که توسط
هیئت جامعه مدنی را تشکیل
شده نیروها و معاهدین به این
تعلقات بسیار به هم میزنند و
با کسب قدرت بیکدیگر و آنرا
با هم متفق در آوردن برنای
تیر سرزده ای خود ساختند.
غید - صفحه ۲

نامه ای

شور انگیز از

یک رفیق مادر

در صفحه ۱۳

اتحاد کارگران پادشاه

شیباز بار دیگر بوز

رژیم جمهوری اسلامی

و نیکوکاری و نگار بکش

(انگیزتی و توده ای)

زایه خاک مالید

در صفحه ۳

وصیتنامه ای دیگر

از گمونیستی دیگر

در صفحه ۱۵

در این شماره می خوانید:

شماره کارگران پادشاه اصفهان	در صفحه ۲
اشتصاب در کارخانه سیمان	در صفحه ۴
گزارشی از جنبش کارگری صنایع فولاد جنوب (۱)	در صفحه ۵
رویزونیم آراسته "پانوماریف" و بازتاب آن دو میان ساترینست با (۲)	در صفحه ۸

بهاره قهرمانانه

کارگران فیلیپین

در مقابل اخراج

هیئت جمعی اعضای

شورا

در صفحه ۴

بقیه از همه سرما له ...
 نیروهای با نترسیت و نا بیگیر
 نگا دیبا تا شنید مستقیم و گاه با سکوت
 رنای بیستندی بی این عملیات بیخورد
 بنوده، زیرا آنها نه تنها در این
 اقدامات تشابلات آنارشیستی خود
 را منسک می بینند، بلکه علاوه
 نزدیکش متحصصی میان دیدگاهها و
 برنا به خود با برنا به بورژوازی
 سباق می یابند، اما پرولتاریای
 آگاه و با رگسیت لنینیستیهای
 بیگیر موضع دیگری دارند، موضعی
 گدبا سرنج کلیه نیروهای سیاسی -
 طبقاتی فرق مرز بندیهای سرنج و
 مشخصی دارد.
 از نطق نثر پرولتاریای آگاه
 رگسیتها این ترور هسا و
 درگیریها از دوزاویه متفاوت ،
 نریات مشخصی و مهمی برانقلاب
 وارد می سازد. از زاویه تاکتیکی
 مبارزاتی، درگیریهای مسلحانه
 بهانه شدن بطور قاطع فاشیست
 شده ای بوده و تشبیهات با ایجاد
 با سببم و انتقال در بیان خود، ها
 سبب می گردد. انقلاب کار توده هاست
 این نیروی لایزال خود توده هاست
 که در بر سر مبارزه طبقاتی قادر است
 دنیای کهن را واژگون کند یا بد
 نیروی تنظیم توده ها را در بر سر
 اخگر آگاهی و سازماندهی انقلابی
 بسازد و اگر در ارتقا داده و توده ها را با
 ایده در هم شکستن نظام کهن دستگه
 دولتی تربیت نمود. باید توده ها
 را در تجربه مستقیم خود انسان
 پرورش انقلابی داده و نشان داد که
 آزادی واقعی آنان به دستکهای
 بیگانه های طبقاتی خود آنان میسر
 و امکان پذیر است. حال آنکه
 ترور هسا و عملیات نظامی کونوسی
 ذهن کارگران و سبب توده هسا را
 آشفته ساخته و امید کاذبی در آنان
 برمی انگیزد یعنی برای آنکه آنچه
 شعارت بخش است، نه مبارزه
 میلیونیها توده، بلکه "عملیات
 قهرمانانه" روستکاران یا بیگ
 نیروی سیاسی است. این ترور هسا
 خلاقیتها و بیگانه راب توده ها را از
 آنها سلب نموده و آنان را نظاره گر
 سرد میان افراد مسلح و نیروهای
 سرکوبگر رژیم حاکم می نماید.
 بهمین لحاظ این ترور هسا، توده ها
 را نه بمیدان مبارزه مستقیم علیه
 رژیم سیاسی موجود، بلکه آنان را
 به انفعال و سستی میکشاند. بارها
 شاهد بوده ایم که در هنگام درگیریهای
 مجاهدین توده ها از صحنه خیا بیان
 بر صحت کناره رفته و میدان را برای
 افراد مسلح خالی گذاشته اند. این
 حقیقت نشان میدهد که توده ها با
 اینگونه تاکتیکیها کاملاً بیگانه
 بوده و بطور غریزی این درگیریها
 را مبارزه خود نمی دانند و حاضر
 نیستند قدامت آنها را حمایت کنند.
 توده های آگاه از مرگ و جنگ

مسلحانه خراسی ندارند و بارها در
 طول تاریخ مبارزه طبقاتی نشان
 داده اند که قادرند با نابرابریها
 تیرسانیهای بی شمار در مبارزه
 علیه دشمن بنمایش گذارند. قیام
 نمون بر بسته ای از این جاسازیهای
 توده هاست. اما آنزمان که توده ها
 در بر سر مبارزه طبقاتی پرورش
 نیافته اند، آنزمان که مبارزه،
 مبارزه توده هاست، آنان حاضر
 نیستند در آن شرکت نمایند و یا
 دست به حمایت فعال بزنند.
 بنا بر این تاکتیکیهای نظامی و
 ترور مجاهدین نه تنها بنا به
 ماهیت خود قادر نیست، توده ها را
 بمیدان مبارزه بکشاند، بلکه
 علاوه نریات مهمی بر بیگیر جنبش
 توده ای وارد ساخته، در نا نرسندی
 طبیعی آن استقلال بوجود آورده و از
 سرعت تکامل آن جلوگیری مینماید.
 در ضمن این تاکتیکیهای ترور در
 زمانی که توده ها وسیع بمیدان
 مبارزه سیاسی وسیع و فعال غلبت
 رژیم بر ما پیدا می کند، حاکم کشیده
 شده اند، زمین را برای تسمیرش
 گستاخانه تر جلادان حاکم باز میگذارد
 روشن است که رژیم بنا به ماهیت
 ارتجاعی و سرمایه دارانه خود به
 سرکوب انقلاب دست میزند، لیکن
 در شرایط فقدان جنبشهای گسترده
 توده ای و تعرض مظیم توده ها علیه
 ارتجاع حاکم، درگیریهای نابرابر
 منجر به ضربات مهلکی بر بیگیر
 جنبش می گردد. آنها موثر بر ساران
 سریع و دسته دسته از انقلابیونی که
 در تظاهرات موضعی مسلحانه دستگیر
 شده اند و یا استقامت جوشی وحشیانه
 رژیم بحد از ترور و درگیریهای
 نظامی که منجر به کشتار زندانیان
 کوسبست و انقلابی می گردد، راپله
 مستقیمی با این درگیریهای مسلحانه
 مبادین بر قرار می کند و بنظر
 مشخص نشان می دهد که ایستادن
 درگیریها و ترور هسا جنبش آگاه را
 متمم چهریات حیران نا پذیر می
 می سازد.
 بدین ترتیب در می یابیم که
 از زاویه تاکتیکی مبارزاتی، تاکتیکی
 مسلحانه مجاهدین ضربات بسیار
 مهمی بر بیگیر جنبش توده ای و جنبش
 آگاه وارد ساخته و در تضا د با انقلاب
 توده ای قرار دارد. البته این
 مسئله زمانی روشن ترمی گردد که
 ما را بطنه این ترور هسا و درگیریها
 را با خط مٹی و برنا مه لیبرالیستی
 سجا هدین در یابیم.
 در حقیقت تاکتیکیهای مسلحانه
 سازمان مجاهدین رابطه مستقیمی با
 سیاست کودتاگرا نه موضی و برنا مه
 لیبرالی آن بر قرار میکند. این
 تاکتیکیها ابزار تحقق برنا مه ای
 است که ماهیت بورژوازی داشته و
 بطور مشخص در خدمت منافع طبقاتی
 بورژوازی لیبرال است. بنا بر این

نه تنها از زاویه تاکتیکی بلکه
 همچنین از زاویه برنا مه و
 مٹی سیاسی، حرکت سجا هدین برای
 انضاب زیان آور است.
 در دوره بورژوازی در تجربه سیاست
 راقبتا دینارنا توانی و تزلزل
 است. خود بورژوازی بنا به ماهیت
 خود قادرند بر نا تشا لترینا توج مستقل
 نمیشد و بهمین بنا طریبا بزی پرچم
 بورژوازی در می غلشنه و با در زیر
 پرچم پرولتاریا قرار می گیرد. در
 مقابل بورژوازی، تشا طقیسه
 تزلزل نا پذیر پرولتاریاست و
 تشا این طبیعتا به آخر انقلابی
 است که نیروی طبقاتی مستقل را
 تشکیل میدهد. امروز سازمان مجاهدین
 بنا به ماهیت خود بر پرچم بورژوازی
 قرار گرفته است، زیرا ما مدین
 نه تشا بطور رسمی به اختلاف سجا
 لیبرالیهای ارتجاعی زده، بلکه
 بخلاوه برنا مه و بیلاترعی را ارائه
 نموده اند که بطور منظم در خدمت بورژوازی
 و مرما یه دارن است. هسا منظور که
 مینا سیم بندنا ماسی این برنا مه
 منع به از مزب جمهوری است اما
 پرواضح است که محقق این هدف
 جز انتقال قدرت از دست بخش
 از بورژوازی به بخش دیگر و ج حفظ
 ماشین کهن بورژوازی معنی ای
 دیگری ندارد. این برنا مه هم چنان
 که رسما در مینا ق اعلام گردید، متکی
 به همان قانون اساسی ارتجاعی
 رژیم جمهوری اسلامی است و ایست
 قانون اساسی جز تا شید ستم
 است تا رسما به جز تا شید و است
 به سرما یه جنبش و جز تا شید سرکوب
 و حمان بر علیه پرولتاریا و دیگر
 توده های ستم دیده جوهر دیگری
 ندارد. بنا بر این برنا مه ای که
 نواهان حفظ حاکمیت بورژوازی و
 حفظ ماشین دولتی است و متکی بر
 قانون اساسی برنا مه ای با تدهیز
 یک برنا مه بورژوازی و صدا انقلابی
 پیزد دیگری نیست، آلترینا تیسو
 لیبرالیست - مجاهدین از آنجا که
 بر اساس چنین برنا مه ای استوار
 است تشا و تشا یک آلترینا تیسو
 بورژوازی بوده و فا قدر گونه عنصر
 دمکراتیک می باشد.
 این آلترینا تیسو خطرات مهلکی
 برای انقلاب در بر دارد. پیروزی
 انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی
 فقط در در هم شکستن ماشین دولتی،
 سرنگونی بورژوازی و استقرار
 جمهوری دمکراتیک معنا پیدا
 میکند و این پیروزی تشا تسمت
 رهبری پرولتاریا میسر است
 پیروزی در انقلاب بنور لاینفکی
 در گرو مبارزه بیگیر علیه آلترینا تیسو
 لیبرالیست مبادین قرار دارد. چرا
 که این آلترینا تیسو علیرغم ظاهرا
 با مصالح دمکراتیک خود در پی
 جابجا نمودن قدرت از دست بیگ

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



مبارزه کارگران پالایشگاه اصفهان

در پالایشگاه اصفهان (متصل به پالایشگاهها) دونه نوع ساعت کار وجود دارد. عده ای از کارکنان روزانه ۸ ساعت کار میکنند و یک هفته در میان پنجشنبه ها تعطیل هستند (مثل سایر کارخانجات) و عده ای دیگر روزانه ۱۲ ساعت کار میکنند و بعد از چهار روز (۲۱ شب و ۲ صبح) چهار روز استراحت دارند و رژیم غذایی جمهوری اسلامی در پی سیاست سرکوب و ارضاء عمومی خویش در سطح جامعه و در کنار کارکنان برای اضافه کاری اجباری در کارخانجات سعی میکند با ۸ ساعت کار آن عده ای که ۱۲ ساعت کار میکنند به اصطلاح تولید را با لایبیردرا که میگویند کارکنان بعد از ۸ ساعت کار خسته میشوند و چهار ساعت بقیه را خوب کار نمیکنند و در اندامان کارکنان می آید.

کارکنان از زمان وقتی که زمینه چینی چین سرکوبی آغاز شده بود مخالفت خود را به اشکال مختلف مطرح میکردند و با رجسود اینکه چندی پیش رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی و نفرازمانها بندگان آنها را دستگیر کرده و هنوز در بازداشت نگاه داشته بود تصمیم قاطع گرفتند تا در مقابل این سیاست ضد کارگری رژیم همقا بلبه برخیزند.

قرار بود این بر ما رژیم از شنبه ۶۰/۶/۲۸ در سطح پالایشگاه شروع آبرو گذارده شود. صبح شنبه کارکنان نوبتکار (۱۲ ساعت کار میکردند) میخواهند سرکار بروند اما رئیس پالایشگاه ایمن مزدور رژیم مانع میشود. کارکنان پشت درهای بسته پالایشگاه اجتماع کرده و میخواهند که به هر ترتیبی شده و اردی پالایشگاه شوند. رئیس پالایشگاه طی سخنرانی به کارکنان شما می میکند و میگوید "من حاضریم آمریکا شیپها را به پالایشگاه راه دهم ولی شما را راه نمی دهم" در همین لحظه شیپهای رئیس پالایشگاه بیامرد بگ زده ای (از کارکنان جنگزده صنعت نفت جنوب) بلند شده و با عداوت بلند رئیس پالایشگاه را خطاب قرار داد و میگوید "آمریکا شیپ خودت هستی ضد انقلاب خودتی و... و به این ترتیب کینه و نفرت طبقاتی

خویش را نسبت به این مزدور رژیم سرما به نشان میدهد. تمام کارکنان نیز به نشانها مختلف نفرت خود را از این مزدور قبیح نشان میدهند.

در این هنگام کارکنان شیفت کار (آنها شی ۸ ساعت کار میکنند) از پالایشگاه بیرون می آیند. به محض اینکه کارکنان شیفت کار به بیرون می آیند کارکنان اینوبتکار یکمدا شمار میدهند در وقت شیفت کار کارکنان شیفتی با مشا هدهای از خویش به درون آنها رفته و در این همه شیفتکار می دهند "شیفت کنار، شرفیکار، بیوندان مبارک" و "مرگ بر آمریکا" (خطاب به رئیس پالایشگاه) رئیس مزدور پالایشگاه دنا هوا را پس دید به بازار سرکوب سیاه ها ساران متوسل شده و اعلام نمود من مسئولیتی در پالایشگاه ندا رم و الان به سیاه تلفن میزنم آنها میداندند و شما سپس بدکار دستور میدهند تا درها را ببندند و بگذارند کارکنان وارد پالایشگاه نشوند. کارکنان با مشورت همدیگر تصمیم می گیرند، بهتر ترتیب شده خود را به محیط کار برسانند. بدین ترتیب با فشار یکبار چسبه کارکنان درها بیرونی کارکنان باز شده و اینان وارد پالایشگاه میشوند روز بعد نیز کارکنان خواست خود را به رژیم تحمیل می نمایند.

روز دوشنبه از طرف پاسداران سرما بدلیت اما می ۱۵ نفر از فعالین این جریان در پالایشگاه منتشر میازد. تا خود را به سیاه معرفی کنند. که از این عده برخی پس از گرفتن شهادت داده شده و برخی دیگر با زدا شدت میشوند. از روز شنبه رژیم توطئه جدیدی برای درهم شکستن مبارزه کارگران طرح ریزی میکند. بدین ترتیب که از گرمانها عده ای از کارگران را با خدمه و فریب و بده این بها نه که پالایشگاه اصفهان پرسنل کم دارد با تویوس به اصفهان می آورد و روز شنبه آنها را به پالایشگاه میبرد. کارکنان پالایشگاه اصفهان کسه از ما چرا مطلع میگرددند با کارگران منتقل شده از گرمانها به تمسای گرفته و آنها را رسوخته رژیم مطلع می سازند. این کارگران به محض اطلاع از واقعه تا زمان خروج از آنها بر شیمان کنده و به ترتیبی خویش را از کارگران پالایشگاه اصفهان اعلام میدارند. پاسداران سرما به که توطئه رژیم را نقش بر آب میکنند، از ترس اتحاد کارگران قدیم و جدید، دوباره دست بکار شده و آنها را از کارکنان پالایشگاه اصفهان جدا می نمایند و به سیاه تویوس به هتلی در اصفهان منتقل میکنند و سرتا سر راه آنها اختصا می

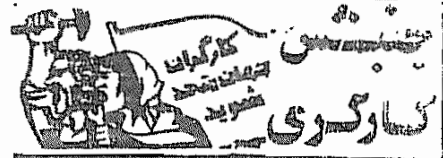
پالایشگاه (به نام ۵۵ متوسل) پاسداران میگذازند. رژیم با اینکده با ایها دجور عب و وحشت با لایبیردرا به زندکارگری خویش را عملی میکند اما در ترس و تشویش از اتحاد دو هیئتگی کارگران هر لحظه حرکت مجدد و یکبار چسبه کارگران را انتظار میکنند.

اتحاد کارگران پالایشگاه
شیو از بار دیگر پوز رژیم
جمهوری اسلامی و نوکران
رنگارنگش (اکثریتی و
نوده ای) رابه واکمالینا

کارگران و زحمتکشان ؟

رژیم سرکوبگر خمینی، بسورش وحشیانه خود را که برای در ششم کوبیدن سنرا انقلاب از بین بردن قیام پس ما تا فا زگردیدیم تا اکنون شدت داد و دریا بیترسی را از سر آری که مضمون رژیمهای سرکوبگر است سرما به دار بست و وحشیانه ترسین جنایات را هر روز و هر یک میشود رژیم متفرخ میشی که در عرض که خبر از دو ماه پیش از ۱۳۰۰ سن ارب بهترین فرزندان زحمتکشان را به جوخه های اعدام سپرده است، زبورش بیسه دیگر متفرخ های انقلاب تیرا فسل شده و دستاورد های مبارزه فرسین کارگران را نیز بزور سر نیزه میس میکرد. اینها را به سرفرشی مسیلا محروم و وزیر نفت رژیم خمینی خون آشام با زور چنانها به ما شمی مبنی بر ۲۹ ساعت کار و در وقت زحمتکشان ۱۰٪ حق کارگرمی تقدیم گرفتند دستاورد های مبارزاتی کارگران و کارمندان مبارز و شکت نفت را که در زمان شاه بدست آمد به بردند کرده است. ولی اینها ر نیز کارگران و کارمندان با مقامت سرسختا نسبه خود منت حکمی برده ان رژیم کوشند. جریان از اینقرار است که پس از صدور اطلاعیه های کذابی، صدای اعتراض کارکنان از هر سو بلند میشود و روز پنجشنبه ۶۰/۶/۲۶ اکثر کارکنان سرکار حاضر میشوند. غیر از عده کمی (حدود ۲۸ نفر) که شامل کارمندان عالی رتبه، ماشین نویسها و تعدادی کارگر زیر پوشش میباشند. شورای فرما بینی خیلی زود متوجه میشود که نمیتوانند با کارکنان مقابله کنند و از ترس اعتماد فرورا یک نامه بینه بسرای مذاکره به تهران میفرستند. نماینده مذکور که اکثریتی بوده و در حقیقت

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بود جلسه را ترک کردند و در موقع ترک مجمع به نمایندگی خائن توده‌ای گفتند، به پیشنهادها را گرفتیم، حق کارگماهی را هم میگیریم، پیروز با دشمن سردکس را رگسان علیه رژیم سرمایه داری.

اتحاد کارگران تهران صنایع پشم اصفهان در مقابل اصلاح کاری اجباری

رژیم جمهوری اسلامی در پی تلاش خود جهت انتقال فضا رگسان اقتصاد ایران بردوش کارگران و زحمتکشان بر آن شده است تا روزانه ۲ ساعت اضافه کاری اجباری را تحمیل کند. رژیم در کارخانه صنایع پشم اصفهان درصددیدود تا این سیاست ضدکارگری را به موردا اجرا بگذارد. و در همین رابطه به کارگران اعلام نمود که با پیروی ۲ ساعت اضافه کاری کنند و با اینکه جمعه‌ها به سرکارها بیایند.

اما روزی که قرار بود کارگران اجباراً اضافه کاری کنند، تمام کارگران بدون استثناء بعد از ساعت کار رلیاس پوشیده و محیط کار را ترک گفتند و از فردای آن روز نیز بطور متحد و یکجا رفته تن به اضافه کاری ندادند. بدین ترتیب اتحاد و همبستگی کارگران تهران صنایع پشم اصفهان مانع از اجرای سیاست ضدکارگری اضافه کاری اجباری برای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی گردیده است.

مبارزه تهران با نه کارگران فیلیپی در مقابل اخراج دسته جدیدی اعضای شورا

بدنبال سرکوب و حشایه رژیم جمهوری اسلامی چندی قبل اعضای شورای کارخانه فیلیپی اخراج شدند. بعد از گذشت چندین هفته از طرف وزارت کار نمایندگان به کارخانه آمدند تا ترتیب تشکیل شورای جدید را بدهند. اما از آنجائیکه اکثریت کارگران خواهان بازگشت اعضای شورای اخراج شده بودند بودند با متنی قهرمانانه این توطئه کشی را افشا کردند. نمایندگان وزارت کار با عوام فریبی سعی داشتند که به کارگران بقبولانند که با زگردانیدن اعضای شورا تنها از عهده شورای جدید سر می آید و بنا بر این به کارگران میگفتند که شما باید شورای جدیدی انتخاب کنید تا آنها بتوانند نمایندگان شما را به سرکارها بفرستند. کارگران

سایند دولت است از قرار معلوم از طرف رژیم تحویل گرفته نمیشود و دست از پا دراز تر سرا جبهه میکنند. گویا در تهران ن بوی گفته بودند که بنشینید با بید سرکار بر بویید. به دنبال این جریان، شورای فرمایشی از گذاشتن مجمع عمومی خودداری، سبکدوشی زیر فشار کارکنان و از ترس اینکه با ردیگر کارکنان پس جنبه دیگری نیز سرکار رنروند و به ضد تهدید و آزار عاب مجبور میشود در روز چهارشنبه ۶۰/۷/۱ در دستوران پالایشگاه مجمع عمومی تشکیل دادند. این مجمع عمومی از طرف شورای اسلامی کارگران پالایشگاه تیرا ز دعوت شده بود. جلسه با شرکت بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران و نمایندگان تشکیل میشود (لازم به تذکر است که عده ای بنا بر این که این مجمع را شورای ضد کارگری راه انداخته در آن شرکت نکردند).

در ابتدا حاج ظاهریان (برپا کننده جشنهای شامنها می و مزدور فعلی انجمن اسلامی) با فرستادن تکبیر و صلوات، قصد داشت جو مذهبی را به جلسه حاکم نموده و به همد ف کثیف خود برسد. وی پس از با صطلاح آمادهازی جو میدان را به یکی از نماینده های خیره توده ای واگذار کرد. این خاشن با عوام فریبی و با طرح اینکه مدورا بین بخشها مساز طرف افراد ضد انقلابی است که در دولت نفوذ کرده اند، قصد داشت خود را طرفدار کارکنان نشان بدهد. وی گفت: این حق ما است ولی بسیاری گرفتار حقمان نیاید میارزه کنیم، چرا که اغتشاش کاررضا انقلاب است؟ (آری مبارزه یعنی اغتشاش و کارگران یعنی ضد انقلاب) و از آن جهت اگر مبارزه کنیم دولت قوی است و ما را سرکوب میکند (ترساندن کارکنان!) و بالاخره پس از کلسی و راجی همانگونه که روش همیشه رویز نویسستها و خاشن است، حرف آخر را که همان حرف رژیم است زد و گفت: بنشینید با بید سرکار برویم! در اینجا کارکنان با قطع صحبت وی شروع به اعتراض کردند و کارکنان در اعتراض از یکدیگر پیشی می گرفتند یکی میگفت: تعطیل بنشینید را در شما مبارزه بی رژیم شاه بدصت آورده ایم و بهیچوجه ز دست نمی دهم یکی فریاد میزد: غرضی خاشن است. او کسی است که فرزندان طالقا نی را دزدیده بود... دیگری با صدای بلند میگفت: بهتر است نمایندگان استعفا بدهند! که این حرف مورد قبول کارکنان قرار گرفت. در همین حین کارکنان حشمتی در حالیکه صدای اعتراضشان از هر سو بلند

در طی سالها استعمار، دست وزارت کار و آربا با نشن برایشان کار ملا روشده بود، لایق قطع فریاد میزدند: «ما شورای قبلی خود را سیخرا هیومت با زگردانیدن آنها به سرکار ردر هیب انتحار با شنی شرکت نمیکنیم» مزدوران انجمن اسلامی که در غیاب شورا فرصتی بدست آورده بودند با تا شین نمایندگان وزارت کار را خواصا ر شوری جدید شدند تا باید بتوانند انجمن به عنوان نمایندگان کارگسرا انتقاب شوند و اخراج اعضای شورا را تا شین نمایند. اما این نوکران سرمایه داری کور خوانده بودند، زیرا در مقابل کسرترا زده های آنها برای تشکیل شورا جدید نزدیک ۶۰۰ نفر برای به با زگشت شورا و اخراج شده دادند و با این کار توسط کشتک انجمن اسلامی وزارت کار در مدبر عا مل کثیف را نقش بر آب ساختند.

درود بر کارگران مسابوز
فیلیپی و متا و
شهرمانا شها در مقابل
اخراج

انتصاب دو کارخانه سیدان

در روز یکشنبه ۶۰/۶/۲۹ کارگران کارخانه جهت دریافت یادداشت بدست مدت چند ساعت دست از کار کشیدند و برای کمپاین خواست سرخود خود در جلوی کارخانه اجتماع کردند. جریان بدین قرار بود که شمال ضد کارگرو رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی جهت تفرقه افکنی بین کارکنان کارخانه و وابسته گسردن برخی از کارمندان بخود، اقدام به برداشت مبلغی به عنوان پاداش بد این کارمندان میکنند. خیرا نسی واقعه به گوش کارگران رسید و وقتی کارگران می بینند که خودشان هستند که با راضی تولید بدوشان بوده اما از کمترین امکانات بهره خوردا رنموده و حال نیز که موقع برداخت پاداش است تنها عده معدودی ما جب پاداش شده اند، اعتراض کرده و در روز ۲۵ و ۲۶ به تلخ مدیر کارخانه فرصت داده تا مبلغ مذکور را به آنان نیز بپردازد. در روز شنبه ۶۰/۶/۲۸ مدیر کارخانه در اجتماع کارگران حاضر شده و به فریبکاری می پردازد. وی که قبلا سه کارگرا ن گفته بود پاداش به کمسانی تعلق میگیرد که کارزبان تری کرده باشند. در این روز و برای مبارزه کارگران ظاهرا عقب نشستند و میگویند چرا است پاداش را بپردازد و به این شرط کارگرا ن به سرکار خود رفتند. اما در بعد از ظهر همان روز به کارگرا ن خبر رسید که تلخ مدیر کارخانه به زیر حرف خسرد زده و میگوید ما شریعت پاداش را بپردازد گفتند. کارگرا ن با شنیدن



کارگران فولادچول مسئله تعطیلی
کارخانه و اخراج کارگران شامل:

- ۱- برنامه ها
- ۲- جریان مبارزه
- ۳- تقاضای قوت و رفاه

جهت تحقیق مذاکرات نمودن و اینها
مانع از آن بودند تا رژیم بتواند
راحتی به اخراج کارگران متوسل
شود اما مسئله اخراج همواره برای
کارگران مطرح بود بخصوص
کارگران پروژه ای هیچ نوع شباهت

گزارشی از جنبش کارگری صنایع فولاد جنوب (۱)

۱- برنامه ها

بدون ذکر عمدتاً در باره زمینه ای
که بحران عمیق سیستم سرمایه داری
و بسته فرا هم نموده تا بیکاری با
دامنه وسیعی مطرح و خیل عظیم
کارگران شاغل نیز بیکار شوند، در
رابطه با مورد مشخص فولاد و پروژه
مسئله اخراج کارگران و تعطیلی
کارخانه و برخوردی که ما مسئولان
بخشی از نیروی بیرونی در این رابطه
داشته ایم میپردازیم:

اخراج کارگران فولاد از پیش
از قیام مطرح برده است. کارگران
فولاد که عمدتاً پیمانگی بوده (از مجموع
۹۷۰۰ نفر حدود ۸۰۰۰ نفر پیمانگی)
و در شرکتها پیمانگی که ما مسئولان
احداث پروژه فولاد بودیم داشتند
کار میکرده اند. قبل از قیام به واسطه
انجام مقدماتی از عملیات
ساختن نیروی پروژه و کاهش حجم کار
موجود در پروژه پیش از ۲۰۰۰ نفر از
کارگران ما را از کار برکنار کرده اند
که در مورد شدن آن و ریا...
نیروی انسانی نسبت به کار موجود
نا مناسبی را بر وجود ما و در کار
- حل آن در سیستم سرمایه داری چیزی
چرا اخراج کارگران و بیکار نمودن
آنها نیست، به نظر می آید پیش از
۲۰۰۰ نفر از کارگران پیمانگی پیش
از قیام اخراج گردیده اند که این
کارگران بعد از قیام مبارزاتی که
وارد شدند موفق شدند بر سر کار
با زنگنه و با مبارزات خود حقوق
چندین ماه اخراج خود را بگیرند.
از آنجا که رژیم سرمایه داری خود
رسالتی جز برآوردن آتش جنگ
دولتی قدیم را که اینک بر آن جنگ
انداخته بود، قائل نبود پس گریز
درجه را خوب حفظ و راه اندازی سیستم
سرمایه داری را بسته با همان مسائل
که رژیم پیشین داشت رو برو بود.
بعد از قیام مخصوصاً با آنجا که در
دیگری از کارخانه ها موجود بود همان
نا مناسبی با زنگنه کارگران نسبت به
که موجود بود را برود که رژیم جدید
نیز بنا به ما همت خود نمیتوانست
خارج از مسائل سرمایه داری به
حل آن یعنی اخراج کارگران،
نا اهل خود ما رو حید انقلابی که
حاصل قیام مهرشکوه بهمن ۵۷ بود
و گستردگی مبارزات کارگران در

جمع بندی زیر گزارش حوزه فولاد
با زمان در جنوب میباشد. این
گزارش محصول یک دوره کارشناسی
حوزه در جنبش کارگری فولاد است.
این گزارش حاوی تجربیات ارزنده ای
در زمینه برنامه ریزی، سازماندهی،
تسلط بر مسائل و تکنیکهای رهبری
و... میباشد. و از عملکردهای
مختلف سیاسی در طبقه تصویر نسبتاً
تجربی بدست میدهد.

اگر هدفیت و سازماندهی
جنبش کارگری و ارتقاء سطح مبارزاتی
آن در جهت اهداف طبقاتی طبقه
کارگر و وظیفه سیاسی و همیشگی
کمونیزمهاست. این مهم برای جنبش
کمونیزمی ایران که وظیفه فوری و
عاجل پیوند با طبقه را در پیش روی
دارد، ضرورتی دوچندان میباشد.
و دقیقاً در راستای چنین ضرورتی

است که جنبش کارگری و فعالان
کارگری و فعالیت کمونیستها در آن
اگر فعالیت بسیاری برخوردار
شده است از وضعیت عینی جنبش
کارگری، انتقال تجربیات و برخورد
با انحرافات، اشتباهات و کمبودها،
اهداف جنبش جمع بندیها می است.
با کمونیستها اگر بخوایم فعالیت
جوش را در جنبش کارگری در هر کام
تکامل و ارتقاء بخشیم باید پروا
اسرافات خویش را در پرتو تیغ
مورد نقد قرار دهیم. امری که
مناشعانه به سبب عملکرد انحرافات
راستروانه کمونیستها و کمونیستی،
تاکنون مورد بی توجهی قرار گرفته
است.

در گزارش زیر علاوه بر جنبه
درس گیری و انتقال تجربیات،
برخورد صریح و بی پروای انتقادی
رفقا به ضعفها و انحرافات حرکت
خویش خود نمونه مثبتی از شیوه اصلی
برخورد کمونیستها به اشتباهات و
انحرافات خود میباشد.

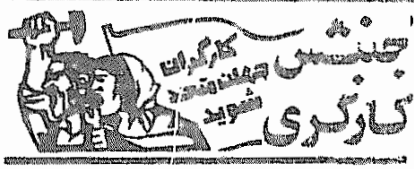
امیدواریم درج عین این
گزارش طی دو شماره هم به انتقال
تجربیات رفقا و هم به اثبات
نسبتی انتقاد خود که نکند
با درود به تمامی رفقای که
در راه آزمان سرخ پروا و تیغ
سوسیالیسم به دست بورژوازی
سها دت رسیدند. همبندی از مبارزات

از نظر وضعیت شغلی نداشته. باره
بدنیال کار از این سو به آن سو
با حرکت از همین درک بی شباهتی
شغلی و آوارگی و در بدی سفاک
بیدار کردن کار که بیشتر مختص کارگران
پروژه ای است. کارگران پیمانگی
فولاد برای رسمی شدن نسبت به مبارزه
زندگانه در آنهاست با سرکوب
رژیم رو برو شدند (۲۶ دی ۵۷)
استند (۵۸) بعد از آن شیخ اخراج
مالی سرکارگران قرار داشت و آن
هر لحظه در انتظار فرود آمدن بود
(ما در همان موقع نیز در رابطه با
سرکوبی کارگران مسئله اخراج
وسیع آیند در این کارگران
مطرح می نمودیم) با این شرح
این موضوع اخراج کارگران
مطرح بود.

شروع جنگ ارتشایی ایران و
عراق فرستی بود تا رژیم و
تحمیل هزینه های جنگ بر سر
کارگران در کارخانه ها و تولید
مخارج تولید، از طریق زدن بخشی
از دستمزدها و درآمدهای
کارگران و افزایش ساعات کار
یا تخفیف آورده و در بخشهای
تولید (پروژه ای و...)
کاهش هزینه های جاری جنگ
فقرو تلاقی بخش عظیمی از کارگران
را با درنا بیگانه در برابر
نمونه اخراج کارگران شوروی
را همین اسوازی گشت و
منطقه نیز برادران و زنان
بر اساس زمینه ای که
برای اخراج کارگران وجود داشت
با تحلیل از واقع بعد از جنگ باید
تمام تسلط خود را روی مسئله
اخراج گذاشته و با صحت کردن آن
توضیح میدادیم که ضرورت اخراج
برای رژیم درجه را خوب سیستم
سرمایه داری را بسته با همان
میشود.

بدلیل نیازی که رژیم در نیروی
انسانی و وسائل موجود در کارخانه
در رابطه با جنگ داشت مثل سنگسار
سازی و حمل و نقل و سرویس دهی
بلافاصله بعد از شروع جنگ به طرح مسئله
اخراج میپرداخت بلکه در آن
۵۹ یعنی زمانی که تقریباً دیگر از
ناحیه نیروی انسانی در رابطه با
جنگ نیازی نشده بود به طرح مسئله

زنده باد سوسیالیسم!



بطور مستقیم پرداخت (لازم به تذکر است که کارگران با بی میلی و از روی اجبار تحت مقررات سخت و سخت که از جانب انجمن اسلامی و ستاد بسیج مجتمع وضع شده بود مجبور به همکاری در رابطه با جنگ بودند مثلاً در تمام ایامی که کارگران در رابطه با جنگ به کار رفته میبودند یکروز غیبت دوروز جریمه داشت و با طرح تعطیلی موقت کارخانه حرکت خود را بطور عملی برای اخراج کارگران آغاز نمود. برنا مه رژیم بین بود که سه از طریق تعطیلی موقت کارخانه از حضور کارگران در کارخانه جلوگیری کرده و در مدت به اصطلاح تعطیلی موقت در صدی از حقوق کارگران را بپردازد و کار را از طریق تعارض و نسی کردن و در نهایت گروه عظیمی از کارگران را اخراج نماید. ما به کارگران نشان میدادیم که قصد رژیم برنا به ما هیت خود دست برداشتن از پروژه فولاد نیست بلکه مسئله تعطیلی موقت کارخانه که از سوی رژیم مطرح است صرفاً در جهت اخراج کارگران بوده و پس در این شرایط بود که ما به برنا مهریزی در مسورد مبارزه عنقریبی که کارگران حول جلوگیری از اخراج خود به آن دست میزدند، پرداختیم.

۱- جلوگیری از تعطیلی کارخانه
کارخانه در قبایل تعطیلی کارخانه با طرح این شعار کارگران برای جلوگیری از اخراج خود هر چه وسیعتر در کارخانه متمرکز گردیده و مشکلات حول مسئله اخراج بسیج میشدند و از پراکنندگی ناشی از شرایط جنگ به مقدار زیادی کاسته میشد که در این رابطه تبلیغ ماری حضور هر چه بیشتر کارگران در کارخانه برای مقابله با توطئه اخراج قرار داشت.

۲- در قبایل کاهش دستمزدها
که به صورت پرداخت در صدی از حقوق کارگران در ایام به اصطلاح تعطیلی موقت از جانب رژیم مطرح میشد ما شعار پرداخت کارگران را مستمرد و جلو نمیبردیم. با این پیش بینی که رژیم با اقدام به تعطیلی کارخانه دستمزدها را نیز کاهش خواهد داد بنابراین طرح شعار پرداخت کارگران دستمزدها بیگانه راهی بود که میتوانست کارگران را برای مبارزه بسیج نماید از طرف دیگر این احتمال وجود داشت که در شرایط دشمنی وضعیتی در نا حیه مسئله تعطیلی کارخانه بطور خود بخودی مطرح گردد و از آنجا که رژیم کارخانه ها را در رابطه با وضعیت جنگی تعطیل نموده و فقط در صدی از دستمزدها را به کارگران اینگونه کارخانه ها میپرداخت ما

در این مورد هم شعار پرداخت کارگران را مستمرد ما سبب میدیدیم.

۳- عدم اخراج کارگران به هر بهانه و عنوان: شعار بود که نظارت داشت بر بسیج کارگران برای جلوگیری از اخراج آنها چه در رابطه با عدم تعطیلی مجتمع و تحت عنوان ما ز ادباً احتیاج وجه در رابطه با تعطیلی به اصطلاح موقت وجه در اثر شرایط جنگی و با طرح تعارض و نسی کردن مجتمع.

۴- تشکیل شورای نمایندگان واقعی کارگران: بعنوان تاکتیک تشکیلاتی که متناسب با شرایط مبارزاتی کارگران مطرح گردید این تشکیلات شامل شورا میبود مرکب از نمایندگان تمام کارخانه ها که کارخانه مشترک و وظیفه برخورد به موارد بالا را بر عهده داشت و بعنوان ابزاری در جهت پیشبرد مبارزه کارگران حول تحقق خواسته های فوق تعیین گردید که نهایتاً در جریان مبارزه و سرانجام پیروزی آن، شورای واقعی را میدیدیم در رابطه با پراکنندگی کارگران در شهرستانهای منطقه ما شعار تشکیل کارکنان کارگران فولاد در شهرستانها را مطرح نمودیم. این تشکیلات نظارت بر بسیج و تشکیل سازماندهی کارگران فولاد که در اشرافیت جنگی و با ما موریتهای بسیج در شهرستانهای اطراف مسر میگردیدند در رابطه با مسئله اخراج داشت.

۵- انحلال انجمن اسلامی:
با توجه به نقش انجمن اسلامی که همواره بعنوان حلقه سربو بیکارگران از سوی رژیم مطرح بوده است و با توجه به درگیری مستقیم کارگران با این ارگان سرکوب و با تکیه بر تجارب خود کارگران و انزجار و تنفر کارگران از آن بعنوان عامل سدها مبارزاتشان و با تکیه بر نتایج سینه رگاری سازمان که طرح شعار انحلال انجمن اسلامی در آن آمده بود، از همان آغاز به برخورد عملی به مسئله اخراج این شعار را با توضیح نقش و جایگاه آن برای کارگران، مطرح نمودیم. انحلال کمیته های فنی: این شعار در جریان مبارزه از جانب ما مطرح گردید کمیته های فنی که از سوی رژیم مرکب از تعدادی مهندسی برای پیشبرد طرح تامین نیروی انسانی مورد نیاز اخراج بقیه کارگران تشکیل شده بود با توضیح نقش آن برای کارگران ضرورت انحلال آنها مطرح گردید.

۶- نظارت: در رابطه با تاکتیک مبارزاتی متناسب با وضعیت کارگران در شرایط اخیر ما نظارت را مینویسیدیم شکل مبارزه که کارگران بر علیه اخراج خود به آن متوسل شوند میدیدیم زیرا تجربه دوماه بعد از قیام مخصوص در شرایط رکود کار در کارخانه شکل دیگری مبارزه نظیراً مناسب است و کارخانه

و با هر بهانه اشغال کارخانه هیچگونه کار بردی برای کارگران نمیتوانست داشته باشد به این یگانگی شکل متناسب همان نظرات بود که هم در سطح کارخانه و هم در سطح از آن می توانست مطرح باشد که ارتقاء آن با برخورد به شرایط مشخص به اشکال عالیتر و نیز مطرح بود. تاکتیک رفتن به تهران کارگران در پیرویه مبارزه از سوی ما مطرح گردید، با توضیح بی حاصل بودن مذاکرات تعدادی نماینده رژیم، این تاکتیک نظارت داشت بر این که شده های کارگران مستقیماً با دیگر کردن آنها با آراگانهای رژیم در تهران رودر روی رژیم قرار داده و از این طریق مسئله کارگران فولاد را در تهران عمده کرده و با جلب حمایت شده های کارگران حرکتی را افزایش دادیم. آگاهی کارگران در رابطه با شناخت مستقیم که از رژیم بدست می آوردند، سازمان دهد. آخرین بخش برنا مه مربوط به تبلیغات بود که قرار شد اعلامیه های "کارگران مبارز" بطور شماردها را ویژه توطئه اخراج بپروان داده شود هدف این بود که در رابطه با مبارزات کارگران حول اخراج، آنان بدینال برنا مه های اعلام شده از طرف ما از طریق اعلامیه ها بطور مرتب گشایند شوند.

سازماندهی لازم در این رابطه به این صورت مطرح گردید که آن بخش که شامل اخراج میگردید بدست به شرایط خاص خود در انتخابات برای نماینده شدن شرکت جویند و بقیه هم در میان کارگران در رابطه با هدایت بخشها در میان کارگران و تبلیغ در میان آنان قرار شد سازماندهی شوند.

۲- جریان مبارزه

به محض اعلام تعطیلی بخشی از کارخانه (واحدوب ۱) که بدلیل رسمی بودن تنها شامل کارکنان دستمزد میشدند حرکت اعتراضی کارگران آن بخش شروع گردید که بنا به پیشنهاد خود کارگران میرفت تا با نظراتی گسترده در سطح کارخانه بقیه کارگران را که اخراج در کمین نشان نشسته بود فرا بگیرد که حتی دخالت پاداران که مسلحانه در برابر آنها حاضر شده بودند بسیارای مقابله با آنها را نداشت و با هجوم کارگران به آنان همسراه مبارک برار تجماع متواری شدند ولی به خاطر نبودن رهبری، این حرکت اعتراضی با متواری ما ختم شد با مداران از سوی کارگران خاتمه یافت در این واحد کارگران بسیار انتخاب نماینده رفتند که در مجموع رویزینویستهای خائن اکثریتی با توجه به موازات مبارزاتی خود قبیل از رفتن در منجلا ب رویزینویست، اکثریت را بدست آورده و نماینده شدند در این رابطه رفقای ما برخوردار



نمایی سرده و با توجه به اینکه
میتوانستند روی انتخابات تا شیر
بگذارند با عدم برخورد فعال خود
روزیونیستها پیش بردند (۶۰/۶/۲۰)
مدتی طول نکشید که تعلیلی گیل
کارخانها با پرداخت بخشی از دستمزد
کارگران از طریق رادیو اعلام گردید
(۶۰/۶/۱۱) بواسطه پراکندگی
کارگران تحت تاثیر شرایط جنگی
در شهرستانهای دیگر تنها حدود
۱۵۰۰ نفر در فرادای روز اعلام تعلیلی
در کارخانها حاضر و دست به تظاهرات
انتزاعی علیه اخراج خود زدند و با
اجتماع خود در مقابل ساختمان
مرکزی کارخانها به مجمع عمومی
هر روزه کارگران را گذاردند. پیش
از اعلام تعلیلی کارخانها روزی
طریق انجمن اسلامی کوشیده بودند تا
کارگران را متقاعد به تعلیلی
نمایند و از اینرو بر نامه توجیهی خود
را زیر پوشش نظر خواهی از کارگران
پیرامون (مشکل راه اندازی کارخانه)
پیش میبردند که کارگران در مجامع
عمومی که از سوی انجمن اسلامی
دعوت میشدند دست به افشای زده و
اینگونه مجامع را تبدیل به جلسات
مخاکمه انجمن اسلامی و بسیج مجتمع
مینمودند و در این ضمن کارگاههای
مختلف دست به کار انتخاب نمایندگان
خود برای تشکیل شورای نمایندگان
شده بودند. کار انتخاب نمایندگان
پایه یا نرسیده و "مجمع نمایندگان"
تشکیل گردید. جریان شکل گیری
مجمع نمایندگان به این ترتیب
برده که نقطه های آن در جریان برنامه
های فریبکارانه انجمن اسلامی
و منی بر نظر خواهی از کارگران
تعمیر میشد که کارگران ضمن محکوم
ان انجمن اسلامی بخاطر دست
داشتن در توطئه اخراج لاسلوم
انتخاب نماینده و تشکیل شورا را
برای پیگیری مسئله اخراج خود
مطرح میخواستند در این شرایط بود
نه اولین تلاش از سوی کارگران برای
برگرداندن مجمع نمایندگان
صورت گرفت و در قدم اول سرده و
کار انتخاب نماینده از سوی
کارگران بی پایان و بی رویه و بی نتیجه
کسب در استناد میگردند
کارگران را متقاعد به طرح و برنامه
انجمن اسلامی نماینده و به این
ترتیب از شکل کارگران تحول
تشکیلات واقعی خود جلوگیری نمایند
رقتی با نفی طرح و برنامه انجمن
اسلامی از سوی کارگران روبرو شدند
به دست و پا افتادند و تلاش کردند تا با
بسیج کسبه و نیروهای خود در انتخابات

شرکت کنند که در این میان توانستند
۸ نفر را بدرون مجمع بفرستند که
به جز یکی دونه بر طبقه آزادی شاداری
و دفاع تراشها ب زده بودند. هنگامی
که رژیم تعلیلی کارخانها اعلام
نمود و کارگران در اعتراض به آن
دست به راهپیمایی زدند (در خود
مجمع) به ترتیب با پرونده های نیز
اقدام به انتخاب نمایندگان خود
نمودند با اینکه توده های کارگری
که در زمان قسستها به پای انتخابات
رفتند بطور متغیر بین ۱۵۰۰ تا
۲۵۰۰ تن بودند ولی با اینحال
بیشتر نمایندگان در رابطه با خواست
کارگران یعنی بر سر سیدگی به مسئله
اخراج انتخاب شده بودند. در مجموع
اینکه در این میان مسئله راه پای
برخی از رویه و بی نتیجه و منا سر غیر
مبارز دیگر به مجمع نیز مطرح بود
مثلا در مورد یک عنصر رویه و بی نتیجه
بدلیل اینکه سابقا عضو شورای فنی
بود که مدتها پیش منحل شده بود و سابقا
بدلیل سابقه نماینده سیدگی به مجمع
راه یافت که این امر ضعف انتخابات
را که بدون نظارت واقعی کارگران
در مواردی این چنینی صورت گرفته
بود نشان میداد. به این ترتیب
مجمع نمایندگان مرکب از ۲۲ نفر
تشکیل گردید. مجمع نمایندگان
آنچنان که با بدنتوا نسبت با کمیته
بندی خود در رابطه با مسائلی که
درگیر آن بود کارگران را سازماندهی
نمایند و بیشتر مواقع مجموعه درگیر
هر مسئله ای میشد و به این ترتیب از
توان مجمع در برخورد با همه جا نیه به
مسائل گرفتار میشدند. اینک در
جریان انتخابات عدم نظارت توده
های کارگری سابقا به این تعلیلی
روزیونیستها و مسائل مهم گردید.
ترکیب مجمع نمایندگان از نیرو
های انقلابی و رویه و بی نتیجه های
فدا نقلی توده های وا کثرتی به
همراه مدتی های خائن بود در درون
مجمع و در بیرون آن میان کارگران
مبارز بر سر دو خط منی برای حرکت
در برابر مسئله اخراج وجود داشت
یکی بر نامه و دیگری بر نامه
روزیونیستها که خواهان "راشه
بر نامه جهت راه اندازی کارخانه"
بوده و همکاری با رژیم را قبول
خودشان "به نفع انقلاب اسلامی"
تبلیغ میکردند و حتی نام مجمع
نمایندگان منتخب را هم با الهام از
بر نامه خائنانه خود "کمیته
هما هنگی برای راه اندازی کارخانه"
تعیین مینمودند و از این طریق
همکاری با کمیته های فنی را تبلیغ
میکردند که با طرح انجمن اسلامی
و بسیج مجمع از سوی رژیم و مرکب
از تعدادی مهندس جهت پیشبرد طرح
اخراج کارگران در پوشش (راه اندازی)
تشکیل شده بود. به علاوه مجمع
نمایندگان با تصویب نام خود بر نامه
خود بر پایه بر نامه ها و جملات کسری

از تعلیلی کارخانها، اخراج و کاهش
دستمزدها - کار خود را دنبال نمود
در این مقطع هر روزی بی سابقه
اعلامیه به نام "کارگران مبارز" به
عملا مده و کلیه اعلامیه ها با نام
با زمان صادر میشد که این امر بسا
توجه به این واقعیت صورت گرفت
که "کارگران مبارز" را به نام سازمان
در کارخانها می شناختند، اعلامیه های
با زمان تقریبا بطور مرتب و وسیع
در میان کارگران توزیع میگردد
از طریق همین اعلامیه ها و بی رویه و بی نتیجه
با توجه به نقشی که در همکاری و همکاری
با کمیته های فنی و انجمن اسلامی
و بسیج کسب کرده بودند و بی رویه
شده و توسط مجمع نمایندگان و از
سوی کارگران طرح گردیدند و با
خوردن "پس گریه" از کارگران، از
آن به بعد همواره در موضع مطلوب
قرار گرفتند و مجمع نمایندگان
توانست با حرکت از موضع معاندان
را در مجمع عمومی کارگران افشا و
بکلی طرد نماید.
مجمع نمایندگان کار تعلیلی
خود را با رفتن به تهران و مذاکره
آغاز نمود و با اینکه پیش از آن
نمایندگان ذوب ا بدون نتیجه
از مذاکره با مقامات برگشته بودند
اما مجمع بدلیل ضعف خود در نشان
دادن این واقعیت که کارگران تحت
مذاکره دردی را دروا نخواهد کرد
همچنان که در گذشته نکرده است و
نیز تمایل به مذاکره در بین کارگران
راهی تهران گردید و همواره از
پیش معلوم گردید و در نتیجه بازگشت
در طول این مدت اجتناع هر روزه
کارگران در مجمع عمومی کارخانها
رو به کاهش میرفت و انجمن اسلامی
و کمیته های فنی بر نامه خود را پیش
میبردند که کارگران میباید تنها
هر روزه شان همراه با بی عملی
تا شهری بروند و آنرا ن زمینگذار
برایشان ضرورت دست زدن به
اعمالی که بشعوی روی روند عادی
اوضاع که به نفع آنان نبود تا شیر
بگذارند و مسئولین را تحت فشار قرار
دهد پیش از پیش طرح میگردد. به
درک این ضرورت و نشان دادن
موقعیت مناسب برای تمیق انحلال
انجمن اسلامی و بسیج و کمیته های
فنی کارگران را به این امر فرسار
خواندیم و روشن ساختیم که تا زمانی
که بقیه کار می کنند کسی سراغ اخراجی
- ما را نخواهد گرفت و ضرورت
کشانیدن کارگران شاغل را به
صوف خود (ممانعت از کار آنان) و
به این طریق تحت فشار قرار دادن
مقامات را مطرح ساختیم، این بار
نیز مجمع با حرکت از موضع ما و در
برابر مخالفت رویه و بی نتیجه کسبه
اینک دیگر مجمع را به "پیکاری"
بودن و تا بسبب آن خط و بر نامه
پیکار متهم مینمودند با ذکر
پیشینه در صفحه ۱۲

فان، هگن، آزادی

رویز یونیسفم آراسته "پانوما ریفا" وبازتاب آن در میان ساقتریبست‌ها (۲)

که ساده‌های طبقاتی آشتی ناپذیرند در همین بهترین و اساسی ترین نکته است که تعریب دریا رکسیم آغا می‌شود " و همین لنین انا فدیکنت: "دولت ارگان میان طبقاتی، ارگان ستوری یک طبقه بر طبقه دیگر است" در مقابل اپورتونیسیتها و رویز یونیسفها شی که پیوسته می - کوشیدند (و امروز نیز میکوشند) تا دولت را محصول آشتی طبقات و انوسداخته، بنین ترتیب افکار ارتجانی آشتی طبقاتی را در میان پرولتاریا و سایر طبقه‌ها از زحمتکش رواج دهند، و انقلاب ما نخت به عمل آورند. لنین قاطعانه بر این اصل اساسی بافتاری مینمود که دولت نشان طبقاتی داشته و ارگان سیادت و ستگری یک طبقه بر طبقه دیگر است و تا کید مینمورد در مکرانیک - ترین جمهوری های بورژواشی نیز دولت ارگان حکمفرما شی و ستگری بورژوازی علیه پرولتاریا است.

بر این اساس زمانی که پرولتاریا دست به انقلاب تپرامیز زده و قدرت دولتی بورژوازی را تا بردنیا زده استقرار دولت نوین یسنی دیکتاتوری پرولتاریا اقدام مینماید. دیکتاتوری پرولتاریا ارگان سیادت طبقه کارگر بر علیه بورژوازی و ستگران بوده و این ارگان متکی به قهر مسلحانه توده‌هاست، هدف پرولتاریا عبارت از استقرار کمونیسم و در نتیجه نابودی طبقات و دولت است، لیکن پرولتاریا فقط از طریق برپا داشتن دیکتاتوری طبقاتی خود قادر است به این هدف ناشکل گردد. زیرا زمانیکه انقلاب پرولتری صورت میگردد و قدرت بورژوازی سرنگون میشود، جامعه سوسیالیستی هرگز نمیتواند بطور خود بخودی بسوی کمونیسم حرکت نماید و به همین لحاظ تنها تضمین حرکت بسوی کمونیسم، دیکتاتوری پرولتاریاست این دیکتاتوری انقلابی تمام دوران از سرما به داری تا برقراری کمونیسم را در بر میگردد. بمعنای دیگر تا رسیدن به جامعه کمونیستی بدون طبقات (فازبالای سوسیالیسم) دیکتاتوری پرولتاریا یک ضرورت تاریخی و انکارناپذیر است. در همین ارتباط است که ما رکس میگویید: "بین جامعه سوسیالیستی و کمونیستی دورانی وجود دارد که دوران تبدیل انقلابی

میکند. "پانوما ریفا" میگوید: "ما ساختمان جامعه سوسیالیستی - پیشرفته در اتحاد جماهیر شوروی و گذار سایر کشورهای جمعیت به موازین ایده‌شنوویکی و سوسیالیستی طبقه کارگر دیکتاتوری پرولتاریا رسالت تاریخی خود را به انجام می‌رسانند. دولت شوروی وارد مرحله جدیدی از رشد و تکامل خود شد و بصورت دولت سوسیالیستی تمام مردم درآمده از مایش تاریخی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بدینوسیله پیت بیستی علمی بنیانگذاران مارکسیم - لنینیم را مبنی بر اینکه دیکتاتوری پرولتاریا دوره‌ای گذرا و موقتی خواهد بود تأکیت کرد. به اعتبار موقیمتی که طبقه کارگر در جامعه سوسیالیستی دارد، نقش رهبری خود را حفظ میکند این طبقه تنها طبقه‌ای در تاریخ است که هدفش دائمی ساختن قدرت خود نیست " (آموزش زنده و خلاق مارکسیم لنینیم) (تا کید زماست) گفته‌های "پانوما ریفا" را چنین میتوان رده بندی کرد: ۱- شوروی "جامعه سوسیالیستی پیشرفته است" ۲- "تمام جمعیت شوروی مارکسیم لنینیم را پذیرفته و تمام جمعیت نقش سیاسی طبقه کارگر را دارد. ۳- بدلیل فوق و از آنجا که دیکتاتوری پرولتاریا برای دوره‌ای گذرا و موقتی است رسالت خود را از دست داده و منحل گردیده است. ۴- بنا بر این دولت معنی، دولت تمام جمعیت و یا بمعبارت دیگر "دولت سوسیالیستی تمام مردم" است.

برای آنکه تعریفات خاشانه "پانوما ریفا" در مارکسیم را بهتر دریا بیم لازمست قدری بر روی آموزشهای مارکسمی درباره دولت و دیکتاتوری پرولتاریا مکمل نمائیم. اساس بحث لنین در رساله دورا نماز "دولت و انقلاب" در جهت اشارات این نکته است که دولت، دولت طبقاتی است و هیچ دولتی در ما وراء طبقات موجود نیست و نمیتواند پاید باشد. لنین در اقلشای کا ثوتکی مرتد مینویسد: "دولت محصول وتجلی آشتی ناپذیرتری تضادهای طبقاتی است. دولت در آنجا، در آن زمان و در حدودی پدید می آید که تضادهای طبقاتی در آنجا آن زمان و در آن حدود بطور برجسته دیگر نمیتواند آشتی پذیر باشد و بالعکس: وجود دولت ثابت میکند

خیانت "پانوما ریفا" تسببت به دیکتاتوری پرولتاریا

مسلک دولت بهترین مسئله موردشایر میان کمونیستها و رویز یونیسفها بوده است کمونیستها پیوسته به دولت بمثا به یک درخت طبقاتی را بزار اعمال حاکمیت یک طبقه بر طبقه دیگر بر خورده نموده و در این ارتباط دیکتاتوری پرولتاریا را ارگان سیادت طبقه کارگر بر بورژوازی به شمار می آورند. از نظر مارکسمیتها، دیکتاتوری پرولتاریا بیان دمکراسی پرولتری بوده و این دیکتاتوری انقلابی شعری کننده تمام دوران گذار از سرمایه داری به کمونیسم است. از نظر آنها بدون دیکتاتوری پرولتاریا سوسیالیسمی معنی است و کمونیسم هرگز تحقق نخواهد یافت و مارکسمیت لنینیت کسی است که به مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا اعتقاد داشته و در گذار خود به آن وفادار باشد.

اما رویز یونیسفها پیوسته در مقوله مارکسمی دولت تحریف کرده و دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا را نفی کرده اند. همه سیدمباران مرتد مانند برشتاین، کائوکی تشو، خروشچف و برژف و نگ - هوارضت بنا بر مارکسیم و بطور مشخص دیکتاتوری پرولتاریا زبان مشترکی داشته اند همه این خاشین به سوسیالیسم تحت عنوان مختلف دیکتاتوری پرولتاریا را نفی کرده و بدین - ین ترتیب یا در یوزگی خود را در استان دیکتاتوری بورژوازی به اثبات رسانده و یا کوشش کرده اند تا دیکتاتوری مرتجعانه و بورژواشی طبقاتی خویش را ببوشانند. تاریخ معاصر مارکسیم خیانت رویز یونیسف - های خروشچفی را فراموش نکرده است با خروشچف بمثا به نمایندگان بورژوازی نوین، هنگامیکه قدرت را تصرف نمودا اسلام داشت دوران دیکتاتوری پرولتاریا بسر رسیده و جامعه شوروی وارد دورانی گردیده که در آن دیکتاتوری پرولتاریا جای خود را به "دولت تمام خلقی" سپرده است، سپس برژف خاشین نیز همین منشی را ادامه داده و از تسز بورژواشی "دولت تمام خلقی" دفاع نمود و امروز "پانوما ریفا" رویز یونیسف نیز همان جعلیات و خزشلات رویز یونیسفی را تکرار

رویز یونیسفم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اولی به دومی است؛ نظایر به این
دوران یک دوران گذار سیاسی نیز
وجود دارد و دولت این دوران چیزی
سمتواند باشد جز دیکتاتور
انقلابی پرولتاریا (به تعبیر از
دولت و انقلاب)

از نقطه نظر ما رکنیم لیسم
از زمانیکه بورژوازی مرئیستون
میشود تا زمانی که طبقات و دولت از
بین میروند، جا نماند
سوسیالیستی و جستجو در
این جا مسئله گذار است
بتدریج همزاد (سرمایه داری)
میبرد و غیر نوین (کمونیسم) رست
می یابد برای این دوران گذار
سیاسی است و دولت این دوران
گذار سیاسی را جا نماند سوسیالیستی
چیزی جز دیکتاتور بورژوازی است
پرولتاریا نمیتواند تا زود زود
تمام طول این دوران سرکوب
بورژوازی و از بین بردن تمام
زمینه های زیربنای ویرانه های
دنیا ی کهن مستور و میسرود
دیکتاتور پرولتاریا است. سنگین
که طبقات از زمین بیرونند دولت
طبقاتی پرولتاریا ضرورت خود را از
دست داده و دولت را بیرون راند
میگرداند و همین خاطر دولت زوال
می یابد. نکته آسانی در این است
که تنها دولتی که جا نماند سوسیالیستی
را از کمونیسم جدا می سازد

دیکتاتور پرولتاریا است. هیچ
دولت واسطه ای نیز دیگر منبر
نیست، دیکتاتور پرولتاریا
آخرین شکل از دولت است که

بیا مدجا همه کمونیستی خاموش
میشود و زوال می یابد در جا همه
سوسیالیستی هنوز طبقات و مبارزه
طبقاتی وجود دارد و هنوز آشنای
اجتماعی، اقتصاد سیاسی، فرهنگی
و اخلاقی سرمایه داری وجود دارد و
به همین خاطر دیکتاتور پرولتاریا
نیز نمیتواند حاصل گردد. بتسلسل
لین: "طبقات در دوران دیکتاتور
پرولتاریا باقی مانده اند و باقی
خواهند ماند. دیکتاتور زوال
غیر لازم خواهد شد که طبقات از بین
بروند. طبقات بدون دیکتاتور
پرولتاریا از بین نخواهند رفت
طبقات باقی مانده اند و ولی هر یک
از آنها در دوران دیکتاتور
پرولتاریا تغییر شکل یافته اند
منا سبات متقابل آنها نیز تغییر
شکل یافته است. مبارزه طبقاتی
به هنگام دیکتاتور پرولتاریا از
بین نمیروند بلکه فقط شکلهای
دیگری بخود میگردانند. (اقتصاد
سیاست در عصر دیکتاتور پرولتاریا)
بدین ترتیب درمی یابیم که
در تمام طول جامعه سوسیالیستی
دیکتاتور پرولتاریا دارای رسالت
تاریخی بوده و این دیکتاتور
انقلابی تا زمانی که طبقات و مبارزه
طبقاتی وجود دارد باقی خواهد
ماند و محو طبقات با سرقراری کمونیسم
دیکتاتور پرولتاریا را غیر

ضروری ساخته و شرایط زوال آنرا
ترا هم ساخته است.
حال با توجه به آنچه گفتند
ببینیم آیا نو ما ریفنا شده اند
ما رکنیم تحریف منتهای
"پارتنو ریفنا" از این نقطه مرکز
نمکنند که در شوروی طبقات محتور
شده اند برای این دولتی که امروز
وجود دارد دولت تمام مردم است
ما فعلا دربارت حکم دژ و پرولتاریا
"پارتنو ریفنا" یعنی "پارتنو ریفنا"
طبقات دژ شوروی جزئی نیستیم و
این حکم را به "پارتنو ریفنا" و
می پذیریم: خیال پرولتاریا نیست
اینجا است: فکر لیسم نمی آورد
که هر دولتی نشان طبقاتی داشته
از گمان حاکمیت و تمرکز یک طبقه
ضمن اجتماع است؟ "پارتنو ریفنا"
"پارتنو ریفنا" و پرولتاریا و
دهد سوله "دولت سوسیالیستی"
تمام مردم "چه صفتی است؟"
سوسیالیسم غیر طبقاتی وجود دارد؟
در کجا می رکنیم لیسم؟
از "دولت سوسیالیستی" تمام مردم
میشود؟ آیا این "پارتنو ریفنا"
سازگاری است و پرولتاریا نیست؟
پارتنو ریفنا است از زمانیکه
نسبت به ما رکنیم لیسم نیستیم و
دیکتاتور پرولتاریا؟

از نقطه نظر کمونیست
توسعه لیسم یکی است و آن
پرولتاریا و دولت سوسیالیستی
دیکتاتور پرولتاریا متعلق
یک طبقه است و آن پرولتاریا
انقلابی است. دیکتاتور
پرولتاریا از گمان حاکمیت
پرولتاریا است و پرولتاریا
دیکتاتور را با همیگ از طبقات
دیگر تقسیم نمیکنند. ما رکنیم لیسم
دولتی را به تمام دولت تمام خلقی
به زعمت و طبیعتا شد چرا که چینی
دولتی واقعیت تاریخی ندارد فقط
رویت پرولتاریا میا در دنیا
میتواند از دولت تمام مردم
حرف بزند. فقط گمانیکه مبارزه
طبقاتی را قبول ندارند و نسبت
دیکتاتور پرولتاریا به قدرت دارند
میتوانند از دولت تمام مردم صحبت
کنند: لین در افتائی جملات
کاوشکی اصطلاح "دولت از خلقی"
و با دولت همین طبقاتی را زد کرده و
میگفت: "دولت از خلقی" یعنی
چه و چرا جمله به این تعارض
ایزوتونیستها است "و پس
فاطمیت تمام مطرح نکردند: "دولتی
نیروی خاص برای سرکوب طبقه
ستمکش است. لذا هیچ دولتی
آزاد است و نه خلقی" (دولت و
انقلاب) و با زودترین در مبارزه
رحمانه علیه پرولتاریستها و
رویت پرولتاریا و زوال و اندر
که مستعدیه "دولت خلقی" کار نبود
مطرح میکند: "و از تولد این کلمات
را با هر وقت درشت می نویسد و زود
اهمیت این احکام بطرز خاصی تاکید
نمیکند. ولی این آتش صدر مستعد
اکلیتیک و گسست کامل از ما رکنیم

است! آخر "دولت خلقی" کار تنها
تکزارهاست "دولت خلقی" آزاد
است که سوسیالیستهای آلمان
در سالهای هفتاد با آن جلوه گری
شیک کردند و انگلیس بمنوا یک
خام آت را تصحیح کرد. (انقلاب
پرولتاریا) و کاش میخواستند
بمطرح این نقل قولها از لین
کمیتره خواننده نشان میدهند که
نیست روی پرولتاریاست چقدر بیکران
و این پایان است. همان جملاتی
که نیم قرن پیش توسط لین در یک
قرن پیش توسط ما رکنی و انگلیس
اختراع شده را امروز با رخت عنوان
"توسعه و حلق ما رکنیم لیسم"
لیسم مطرح میگردند. پرولتاریا
"پارتنو ریفنا" این ایدئولوژی
فریبنا سوسیالیست را به تمام
همان فریبنا را تکرار میکنند که
رویت پرولتاریا در یک قرن پیش
"پارتنو ریفنا" با بدجا بدهد که
"دولت سوسیالیستی" تمام مردم
"شوروی" برای سرکوب کدام
طبقه است؟ و این دولت از گمان
حاکمیت کدام طبقه اجتنابی میباشد؟
التمس "پارتنو ریفنا" در یک
پارتنو ریفنا نیست زیرا او و شرکا
از ما رکنیم گسست کامل نموده اند
و هر غلبه ما ریفنا لیسم تاریخی
گرفته اند.

مسئله اینجا است که اگر پرولتاریا
طبقاتی وجود ندارد پس وجود دولت
بها نگر چیست؟ مگر وجود دولت
وجود طبقات است؟ تا پذیرا
میشود؟ ما رکنیم میگرداند دولت
با از بین رفتن طبقات از بین
میرود پس اگر پرولتاریا سوسیالیست
"پارتنو ریفنا" طبقات معوشده اند
چرا دولت از بین نرفته است؟
ما رکنیم لیسم با چرا احتیاج اعلام
میکند در جامعه سوسیالیستی؟
کند و نه طبقاتی و بسیار طبقاتی
وجود دارند دیکتاتور پرولتاریا
از یک ضرورت تاریخی برخوردار است
و زمانی که در طبقات و امراد
جای خود را به دارا شیه بدهد در
آنها دولت پرولتاریا زوال می
یابد. مسئله قابل تا کیدا نیست که
همین دولت پرولتاریا است که به
تدریج زوال میابد و زوال همین دولت
پرولتاریا است که مشخص کننده پرولتاریا
است.

در ما سوسیالیستی
بگتار نمیتوان طبقات را از بین
برد. در این جا همه "حقوق
پرولتاریا" فقط تا اندازه ای
نمیشود. سوسیالیسم مالکیت خصوصی
انرا رتولید را به مالکیت همگانی
تبدیل میکنند و بنا بر این "حقوق
پرولتاریا" تا همین حدود محدود
گردیده است. حال آنکه در لیسن
حاشیه تا مدت های طولانی تقسیم
مصولات و تقسیم کار در بین امراد
تاریخی خواهد ماند و شعار "کسی
کارش نمیکنند نباید خورد" شعار اصلی

است. بنا بر این تا زمانی که
حقوق بورژوازی وجود دارد، دولت
بورژوازی وجود دارد، گرچه بخوبی
روبوژوال می رود، برای زوال دولت
با بدطبقات معوگردند و مطبقات
کاری است پس طولانی و عظیم. برای
درک دقیقتر مطلب به گفتار رئیسین
دقت نمائیم:

"برای مطبقات با بسد اول
ملاکین و سرما به داران را
سرتگون ساخت، این بخش از
وظیفه را ما انجام دادیم. ولی
این فقط بخشی از وظیفه است
و ضمناً دشوارترین آن هم
نیست. ما نیاز برای مطبقات
با بد فرق بین کارگر و دهقان
را از بین برده و هر را به
کارکن تبدیل نمود. ولی این
کار را نمیتوان فوراً انجام داد.
(اقتصادیهاست در مورد دیکتاتور
پرولتاریا) و در جای دیگر رئیسین
مینویسد:

"واضح است که برای معوکه
طبقات با بدنه تنها امتحان
گران یعنی ملاکین و سرما به
داران را سرتگون ساخت و نه تنها
مالکیت آنها را لغو نمود، بلکه
با بد هرگونه مالکیت خصوصی بر
مسائل تولید را نیز منافی ساخت و هم
فرق بین شهرودها و هم فرق بین
افراد متعلق به کارجمعی و
افراد متعلق به کارفکری را از
بین برد. این کار نیست بسی
طولانی. برای انجام این امر
با بد جهت تکامل نیروهای
مولدها کم بزرگی به پیش
برداشت، با بد هر مقام و
بفایا که کثیرالعدد تولید
کوچک تا ق آمد (مقاومتی که
اغلب بطور پاشا ابراز
میگردد و بسیار سخت است و
تا ق آمدن بر آن بسیار
دشوار است) با بد هر نیروی
عظیم مانند وجودی که ناشی از
این بقا است تا ق آمد.

(ابتکار عظیم)

بدین ترتیب زمانی که این
وظائف عظیم و بس دشوار تحقق یابد،
طبقات عمومی گردند و دولت که بنا
معدود شدن حقوق بورژوازی رویه
زوال گذاشته، زوال می یابد. ما
با توجه به آنچه بیان شد، "دولت
سوسیالیستی تمام مردم" پانوما ریف
در جای "بدون طبقه" شوروی به چه
معناست؟ حقیقت اینست که
پانوما ریف یک رویزیونیست
شیاد است و جز در تحریک در مارکسیسم
و دروغپردازی کار دیگری نمیتواند
بکند. این درست است که دیکتاتوری
پرولتاریا برای یک دوران گذار
است ولی رویزیونیستها این
دوران گذار را مترادف تمام مطول
چا و همه سوسیالیستی تا برآمدن
کمیونیستی بنده اند. آنان جا
سوسیالیستی را به دور دور
آورده و سوسیالیسم را به دور

اول این دیکتاتوری را "شوروی"
میشارند، حال آنکه برای دوره
دوم رسالت آنرا نمی گردند و "دولت
تعمیراتی" را مطرح می سازند.
همانطور که دیدیم این دیدگاه
شورویک را با رویزیونیستی بوده
و در تضاد با یکدیگر است. مارکسیسم
لنینیسم است، چرا که مارکسیسم دوران
گذار را دوران تحولاتی بشمار
می آورد که جامعه سرما به داری را از
جامعه کمونیستی بدون طبقات
جدا میسازد و اینها دولت است
دوران گذار. در دولت دیکتاتور
انقلابی پرولتاریا میداند. البته
آنچه که "پانوما ریف" بر شده میگوید
نه تنها تعریف مریان در آموزشهای
مارکسیسم لنینیسم است، بلکه
به علاوه کوشش مذهبها نه ای جهت
برده پوزی دیکتاتوری مرتجعانه
بورژوازی امپریالیستی در روسیه
شوروی بشمار می آید. در دولت
شوروی با دولت شوروی "سوسیالیستی"
پیشرفت می نماید و از آن بنام
دولت "تمام جمعیت" و یا "تمام
مردم" نام میبرد. حال آنکه دولت
شوروی یک دولت طبقاتی است و
در واقع ارگان استعاری بورژوازی
بر علیه پرولتاریاست.

امروزه شوروی سرما به داری
طبقاتی و بسیار به طبقاتی یک واقعت
انکارنا پذیر است. بورژوازی به
طبقه مسلط از طریق دولت، مالکیت
ابزار تولیدی را در دست داشته از
بزرگترین امتیازات اجتماع و
سیاسی و اقتصادی برخوردار میباشند.
بورژوازی شوروی نه تنها از طریق
استثمار و بهره مندی طبقه کارگر
شوروی، بلکه به علاوه از طریق غارت
واستثمار خلقهای جهان موقعیت
استیلازی برای خود بوجود آورده است.
در این جامعه پرولتاریا با

ها که به رویزیونیستها قسدرت
بسیاری و مالکیت پرولتاریا
تولید را از دست داده و در حال حاضر
شدیدا تحت استعمار و استثمار قرار دارد
و بطور مشخصی با روزه طبقاتی
پرولتاریای شوروی علیه بورژوازی
یک واقعت انکارنا پذیر است (۱)
امروز هیچ تبلیغات سوزنا آشتی
قادر به پرده پوشی مناسبات آشتی
نا پذیر پرولتاریا و سوسیالیسم
رویزیونیستیهای کم میباشند.
وجود دولت کارگر با آن دستگیر
بورژوازی است. نظامی نظمیسم
بسیار نگر و بد طبقات آشتی نا پذیر
در این جامعه است. وجود زندانها،
اردوگاههای کار اجباری، پلیس
مخفی با شمشیر سوزی خود در میان
کارگران، ارتش قوی و نیز دستگیر
عریض و طویل آدای، بورژوازیستیک
همه و همه شکنج کشنده این حقیقت
است که ما شین دولتی کار کم نیروی
خام سرکوب یک طبقه توسط طبقه
دیگر است. امروز سوسیالیسم

(۱) برای اطلاعات این مسائل
به کتاب "دولت شوروی" مراجعه کنید.

امپریالیستی شوروی با توسل به
ابین، ما شین نظمیسم دولتی
پرولتاریا را سرکوب نموده و هیچ
تعلیقات فربکارانه رویزیونیستی
قادر به پرده پوشی این مسئله
نیست. "پانوما ریف" مرتجعانه
از "ما" اختلافات طبقاتی در
شوروی (همانجا) میکنند ولی این
سرکوب برای مطبقات با بد فرق
دهقان و کارگر را از بین برد. آیا
در شوروی این فرق از بین رفته
است؟ آیا تفاوت بین شوروی و
از بین رفته است؟ آیا "فرق افراد
متعلق به کارجمعی و افراد متعلق
به کارفکری از بین رفته است؟ آیا
پرسنل بهیشتا دستگیر و بورژوازیستیک
نظامی عظیم شوروی آنطور که
لنین میگوید به "کارکن" تبدیل
شده اند؟ پاسخ واقعی تمام این
پرسشها، افشاگر رویزیونیستیهای
شوروی از جمله "پانوما ریف" است
که در کتاب "پانوما ریف" خود هیچ
خوبش را بازمیکنند. او در جاهای
کتاب خود صحبت از "محو اختلافات
طبقاتی" میکند، در عین حال
ناگزیر است به واقعت طبقاتی
موجود در شوروی اعتراف کند. او به
نقل از بزرگترین میونسید: "همکار
رشد و تکامل در کار میسوسیالیستی
از گذارداری ما بتدریج به خود
گردانی اجتماعی کمونیستی
تبدیل میشود. البته این مطلب
فرا بینی است طولانی ولی در هر
حال با ثبات قدم به پیش میرود" و
همین خود او می افزاید: "همچنانکه
ساخت اجتماعی ما صحنه
شوروی رشد و تکامل می یابد
راه برای پیشبرد هر چه
پیشتر در کار میسوسیالیستی آماده
میشود. وجوه اصلی تمام بزرگین
گروههای عمده اجتماعی برداشته
میشود و ملتها و گروههای قومی که
جمعیت آنها توسط شوروی را تشکیل
میدهند به خودشان ملتها تبدیل
میشوند."

آنچه که در گفتار فوق قایل
تا کید است انصتکه و لاهنوز "خود
گردانی اجتماعی کمونیستی" در
سطح جامعه بوجود دنیا مده است
بمعنای دیگر کمونیسم (!) مستقر
نشده است و اداره طبقات و افراد
جای خود را به اداره اشیا تغییر
است. بنا بر این با بد هر سوزنا
که "خود گردانی اجتماعی کمونیستی"
بوجود دنیا مده و این امر "فرا بینی
است طولانی" پس چگونه میتوان از
محو اختلافات طبقاتی "صرف زده"
شایا "پانوما ریف" میگوید در آینده
در شوروی وجوه اصلی تمام بزرگین
گروههای عمده اجتماعی از بین
خواهد رفت و "ملتها و گروههای قومی"
به همه بزرگ نزدیک خواهد گردید.
آنها که این پرولتاریا فربکار
میشود و هر شش اشیا فربکار
میشوند و در این راه...

طبقاً در هر دو طبقه در شوروی
است. آیا وجه اصلی تمايز همان
اختلافات و تضادهای طبقه‌تسبی
نیست؟ و آیا گروههای عمده اجتماعی
"همان بورژوازی حاکم،
پرولتاریا و دهقانان چیز دیگری
میتوانند باشند؟ آری با نوما ریف
خود را افشا میکنند و غیرمتمام
عواطفی همایش قادیست
واقفیت عریان جامعه شوروی
سرما بیداری را بپوشاند.

"با نوما ریف، مرتد میگوید:
"تمام جمعیت شوروی به مواضع
ایدئولوژیکی و سیاسی طبقه کارگر
گذا رنموده اند و بیای به دیگر
تیمار قشار و طبقات اجتماع
ما رکسیم. لنینیسم را بمانا بسه
ایدئولوژی خود پذیرفته و کمونیم
را آرمان خود ساخته اند. واقعا چه
کسی میتواند اعتراف نکند که این
گفته دروغ بیشترمانه ای بیش نیست
آیا خیل عظیم پرسل دستگه ا داری
شوروی که اکثر قریب به اتفاق
آنان با افکار بورژوازی و امپریالیستی
فاسد شده اند. موضع ایدئولوژیک
پرولتاریا را پذیرفته اند؟ آیا
رهبران خیانتکاری چون خروشچف
سرژنیف، سوسولف، اولیا نفسکی و
(با اجازه ستریتها) پروفسور
"پا نوما ریف" موضع ایدئولوژیک
پرولتاریا را پذیرفته اند؟ آیا
رویزینوئیستها و مرتدین که دارای
ایدئولوژی بورژوازی بوده خود
نمایندگان سیاسی - ایدئولوژیک
طبقه بورژوازی نیستند؟

بدین ترتیب تا بدینجا دیدیم
که چگونه "پا نوما ریف" نسبت به
دیکتاتوری پرولتاریا خیانت
می ورزد و همان خزعبلاتی را تکرار
میکند که خروشچف و پرولتاریا مطرح
می ساختند. حال در اینجا خوب
است به یکی دیگر از تحریفیات
رویزینوئیستی "پا نوما ریف"
اشاره کنیم.

ما رکسیم می آموزد دمکراسی
شکلی از دولت است. دمکراسی
عبارتست از اعمال قهر طبقه تسبی
توسط یک طبقه علیه طبقه دیگر.
هیچگاه دمکراسی ما وراء طبقات
وجود ندارد و تنها نظور که دولت ما وراء
طبقه است نمیتواند موجود باشد. در
واقع دمکراسی هر جا همه سرمايه
داری ماهیتی بورژوازی داشته
و عبارتست از اعمال ستم بورژوازی
سر پرولتاریا و در جامعه سوسیالیستی
دیکتاتوری پرولتاریا همگان
اعمال قهر علیه بورژوازی و ستمگران
است. صحبت از دمکراسی بطور عام
فقط کارشادانی است که در پی
فریب کارگران و سایر توده ها
مستند ما رکسیمها هرگز این سوال
را غیاموش نخواهند کرد که دمکراسی
برای کدام طبقه؟ "پا نوما ریف"
در کتاب خود صفحات بسیاری را
ا در مضرات دمکراسی بورژوازی
صفت میکند ولی او فقط در باره

عربا نثرین مسئله ای صحبت میکنند
که توسط شما ما رکسیمتها ای جهان
افشا شده و هیچکس قادر به پوشاندن
گنبدیگی و تمسخر دمکراسی بورژوازی
غرب نیست. اما او یک مسئله مهم
و اساسی را در پرده نگاه میدارد و
آنهم عبارتست از دمکراسی بورژوازی
در شوروی. اومی نویسد: "دمکراسی
ما یک دمکراسی سوسیالیستی است
و بهمین جهت از بدو پیدایش آن
دولت شوروی همواره آماج وحشیانه
نیروهای دنیای کهن بوده است.
متما بیزرا دمکراسی بورژوازی که
ارزش و معنای طبقه تسبی آن حفظ
و تضمین حاکمیت سرمايه داری است
دمکراسی پرولتری. عبارتست از
دمکراسی خلق و برای خلق و این
موضوع همواره در هر خورد کلاسیکهای
ما رکسیم. لنینیسم با مسئله
دمکراسی مورد نظر بوده است."

دمکراسی خلق! چه فریبکاری
بزرگی! همه طبقات استشارا رگر
دیکتاتوری طبقه ای خود را دمکراسی
مردم" معرفی میکنند و امروز
پا نوما ریف نیز بنا به ماهیت طبقاتی
همین شیوه را در پیش گرفته است.
در حقیقت پا نوما ریف از بیان
ایین امر در هدف زان
تلقیب مینماید. در درجه اول قصد
او تحریف در ما رکسیم است
ما رکسیم می آموزد که خلق بسه
طبقه است مختلف تقسیم میشود و هر یک
از این طبقات استنباط خاصی از
دمکراسی دارد. دمکراسی از نظر
پرولتاریا یعنی دیکتاتوری
پرولتاریا و سرکوب قهر آمیز
بورژوازی حال آنکه دمکراسی از
نظر بورژوازی یعنی حاکمیت طبقه
سرمايه داری و سرکوب ضوئیت بار
پرولتاریا و همه ستمدیدگان. آری
فرق ظهیمی است میان دمکراسی
پرولتری و دمکراسی بورژوازی
و پرواضح است که خرده بورژوازی نیز
استنباط خاص خود را از دمکراسی
دارد و به لحاظ ماهیت طبقاتی خود
مدافع دمکراسی پرولتری نیست.
در جامعه سوسیالیستی دمکراسی
پرولتری استقرار یافته است و این
است که این دمکراسی طبقه تسبی
بهنترین وجهی در خدمت ما رکسیم
است. شما رشکان نیز قرار داده اما
مسئله اساسی اینجاست که این
دمکراسی، دمکراسی پرولتاریا
است و هرگز ماهیت طبقاتی خود را
از دست نمیدهد. دمکراسی پرولتاریائی
علاوه بر این نوع دمکراسی بوده و
هزاران بار دمکراسی تکرار شده
دمکراسی طبقه تسبی دیگر است و بسه
همین خاطر ما متشما رشکان از
آن بهره نخواهند گرفت. لیکن این
مسئله کوچکترین حاشه ای در ماهیت
طبقه تسبی و پرولتری دمکراسی
سوسیالیستی ایجاد نمیکند.
ما رکسیم لنینیسم به هر حالت
می آموزد که ما نسبه طبقه تسبی
میتواند که در هر ستمدیدیست

دمکراسی نیز جزو عادت گردیده و
از بین می رود. ولی تا زمانی که
طبقه تسبی وجود دارد دمکراسی نیز
خصلت طبقه تسبی خواهد داشت. لنین
مینویسد:

"اگر فکر سلیم و تاریخ را مورد
تصخر قرار ندهیم آنگاه روشن
است که تا زمانیکه طبقات
گونگون وجود دارند نمیتوان
از دمکراسی خالص سخن بسه
میان آورد. بلکه فقط میتوان
از دمکراسی طبقه تسبی سخن
گفت. دمکراسی خالص
عبارت کاذبانه لنینیسم است
که کارگران را تحمیق مینماید"
(انقلاب پرولتری و کارشکلی
مرتد)

حال آیا "پا نوما ریف" فرد
بورژوا - امپریالیست نیست که
در پی تحمیق و فریب کارگران
شوروی و پرولتاریای جهان است
آیا "پا نوما ریف" با نفسی ما هیت
طبقه تسبی دمکراسی به نفسی مبارزه
طبقه تسبی و انقلاب و دیکتاتوری
پرولتاریا نمی پردازد و آیا
"پا نوما ریف" ایدئولوژیک بورژوازی
و تحریف کننده ما رکسیم نیست.
هدف دیگر "پا نوما ریف"
پوشیدن نگاه داشتن دیکتاتوری
بورژوازی روسا است. بورژوازی
شوروی برای فریب
کارگران با ایدئولوژی
ستمگرانه خود را
"دمکراسی مردم و خلق" بنا نموده.
بورژوازی امپریالیستی غرب
مگر تما فریبهای ارتجاعی جهان
خود را مدافع "دمکراسی و آزادی
قلمداد نمیکند؟ بورژوازی
شوروی نیز با بدچینی کشور دروغ
بگوید زیرا این نیروی طبقه تسبی
ما سکه سوسیالیسم در پی تحمیق و
فریب پرولتاریا و خلقهای جهان
است.

آری "پا نوما ریف" میتواند
دروغ بگوید چون او نمیتواند
بورژوازی ارتجاعی و گنبدیده است
و نمیتواند با حقیقت سروکار داشته
با شد. او میتواند از "تکا
ما رکسیم" حرف بزند اما در کسودار
خود بطور مستمر نسبت به آن خیانت
ورزد و میتواند از "محو طبقه تسبی"
جمعیته بدون طبقه "حرف بزند و
در کردار خود دیکتاتوری ارتجاعی
بورژوازی را پرده پوشی کند. آری
"پا نوما ریف" میتواند تما ما بین
کارها را اینجا مدهد چرا که با لافها و
رسالت دارد تا ما رکسیم
لنینیسم بستیزد. "پا نوما ریف" اگر
چه فریبکارانه صحبت از "نقش
رهبری طبقه کارگر" در جامعه
سوسیالیستی میکند و میگفت
متزلزل نیست. و ما نثریستها می
شبهت "جناح انقلابی" روئینوئیستهای
شوروی شده اند. بشوئینوئیستها
چوهرتی خود در کردار خویشا
میکند که نسبت به رهبری طبقه

بقیه از صفحه ۲۷ گزارش می‌دهد
 ضرورت‌های فوق در میان کارگران
 اقدام به راه‌اندازی در سطح کارخانه
 جهت انحلال انجمن اسلامی و کمیته
 ستادی فنی و جلوگیری از کسار
 شاغلین نمود که این حرکت بسیار
 موفقیت‌آمیز بود.

قبل از این جریان، به‌عنوان
 مراجع نمایندگان مجمع از تهران
 طرح رفتن دسته‌جمعی کارگران به
 تهران بعنوان یک تاکتیک کسب
 در پیش مطرح شد از جانب ما ملاحظه
 شد بدینکه مجمع برای آن رفت ولسی
 فقط تا مدیریت مریزی بیشتر، فزاینده
 ترفت و با در نظر گرفتن نه‌تنها
 انجمن اسلامی و... نتوانست ارتباط
 لازم را بین ضرورت این اعمال و مسائل
 تهران رفتن برقرار نماید، بطوری
 که در بسیاری از موارد طرح تهران
 رفتن از دستور خارج میگردید و در
 نهایت در همان مدت که گفته شد
 ماندن در حال آنکه مجمع وظیفه داشت
 تدارک لازم را در این زمینه از طریق
 ایجاد صندوق مالی که در مجمع به
 تصویب رسیده بود، تعیین و با ایجاد
 این صندوق مسئله رفتن تهران را
 بطور عمده در میان کارگران پیش
 برده و در این رابطه کارگران را حول
 صندوق بسیج نمایند و این شعار را
 که زمینه آن نیز فراهم بود، تحت‌تفتیش
 مادی بخشد.

بقیه از صفحه ۲۷ اعتبار بدین در
 شهر تهران میگذارد و بدینکه قراردادی
 روز یکشنبه ۲۹/۶/۶۵ جنوی در کارخانه
 اوپا جمع شد و تا بدست آوردن این
 خواست بر حق سرکارش در روز
 یکشنبه خلیج مدیر کارخانه از تهرین
 ما رزده کارگران اسلا سرکارها مده
 و در دیدگری بنام عابدینی در اجتماع
 کارگران حاضر شده و تعهد میسپارد که
 با اداش را به ما مده. در این روز
 نعال رژیم جمهوری اسلامی بر شهری
 انجمن عابدینی کشف ما قریب
 نماندند و کارگران ناآگاه
 و عقب مانده سعی مینمایند تحت
 "برادران" دولت در حال جنگ است. و
 ما بدار اعتماد کرده "در میان رزده بسیج
 کارگران احتلال بوجود آورده است
 اما در پی گیری رفتن کارگر
 کارخانه دست محکمی برده ان تمام
 تفرقه انگیزان زده و یکبار دیگر ثبات
 کرد که تنها در برخواستن ما رزده
 است که میشود و کوچکترین خواهشها
 را از رژیم سر ما بداران گرفت و این
 مبارزه نیز یکبار دیگر ثابت کرد که
 طبقه کارگری در فاشیستی تریس
 شرایط نبرد دست از مبارزه نکشیده و
 اجازت نخواهد داد رژیم سر ما بداران
 یعنی جمهوری اسلامی با خیال
 راحت به زندگی سنگین خود ادامه
 دهد. (نقل از خبرنامه محلی پیکنیا
 تشکیلات شیراز شماره ۱۶)

بقیه از صفحه ۱۴ ریز بونیم آراسته
 کارگر "خبرنامه روز بده بیکتا نوری
 پرولتا ریاست کرده است. آری
 "پانوما ریفت" نسبت به دیکتاتور
 پرولتا ریاستی جوهر ما رکسیسم
 لنینیسم ارتداد نموده است و بی
 نسبت نیست که لنین می گفت کمونی
 که به دیکتاتور پرولتا ریاست اعتقاد
 ندارند، هرگز ما رکسیست نیستند!
 ادا مده دارد

بقیه از صفحه ۱۴ رفیق کارمیار ۵۵۵
 بنام جوادیم ساخت و تا محو هرگونه
 ستم ملی و ملیت‌های در ایران و جهان
 یکدم دست از مبارزه برخواهیم
 داشت. مبارز رفیق کارمیار (علی)،
 که نسبت به یکبارگروپا روفسادار
 کارگران گرامی باد!

توضیح
 در پیکار ۱۱۶ عکسی از رفیق
 شهید فروش و کتلی زاده از رفقای
 اتحاد مبارزان کمونیست حساب
 شد که اشتباها نام خانوادگی او
 "کوتلی" و بر اساس اطلاعات رژیم
 مندرج در روزنامه‌ها، وابسته به
 "سنگار" معرفی شده است. ضمن
 تذکره از آن رفیق شهید، این
 توضیح را لازم دانستیم. همچنین
 رفیق شهید طلعت رهنما (شهلا
 سالاریان) که در پیکار ۱۱۴ از او نام
 برده شده بود، بنا به نوشته "آه کارگر"
 از رفقای "راه کارگر" بوده است.
 یا نشانی گرامی باد.



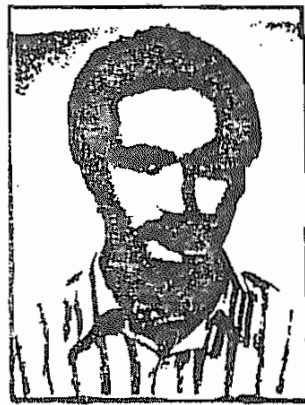
محمد علی همایون نژاد
 متولد ۱۳۳۱ در زاهدان
 آشنائی با رنج و کار طاقت فرسا
 از دوران کودکی در خانه خوانده
 زحماتش خود

ورود به دانشکده علوم آزمایشگاهی
 امفیان در سال ۵۵
 دستگیری، بوسیله ساواک در ۱۶
 آذر ۵۶
 پس از اتمام دوره تحصیل و سرپازی به
 اشتغال پزشکی قانونی در آستان
 (سال ۵۸) و در مبارزات کارمندان
 این اداره شرکت فعال داشت و
 نماینده شورا گردید.
 پیوستن به سازمان پیکار ۱۳۵۹
 و ادامه مبارزه کمونیستی برای
 تحقق اهداف انقلابی سازمان
 رزمنده بود.
 دستگیری در ۱۳ مرداد و شهادت در
 ۱۲ شهریور ۶۵
 و سرانجام مدرا را مکه به بلشویکیها
 در کنار رده‌های تن از رفقای کمونیست
 و در قلب کارگران و زحمتکشان جای
 گرفت، راهش پیروز باد!

مشارکت‌سنگر همیشه پیدار انقلاب

دانش آموزان انقلابی! رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در ادامه
 قتل عام و کشتارهای خونینش (که در دوره اخیر خون سیش از هزار نفر از
 بهترین جوانان میهن ما را به زمین ریخته است) میکوشد تا در سال
 تحصیلی جدید مدارس را به گورستان آراسا مبری مبدل کند. دستگیری و
 اعدام دانش آموزان کمونیست و انقلابی، اخراج وسیع دانش آموزان
 فعال مدارس جزو مقدمات این توطئه ضد انقلابی است.
 اما دانش آموزان مبارز مبارزات متحد و یکپارچه خود در سال تحصیلی
 جدید نشان خواهند داد که این نقشه‌ها خیال‌خاسی پیش نیست و امسال
 نیز مدارس یکی از سنگرهای دفاع از انقلاب خواهد بود.
 اتحاد دانش آموزان انقلابی، سنگر مدارس را در دفاع
 از انقلاب مستحکم‌تر می‌سازد.
 سازمان دانش‌جویان و دانش‌آموزان کسار

رفیق کامیار جهان پیگاری در دل کارگران قهرمان جای دارد



کمونیست بیگارگر رفیق شهید کامیار جهان پیگاری را کارگران کارخانه ایران والونو، در شرق تهران، خوب می‌شناسند. آنها چهره سمی و مهربان و تلاش پیگیرانه او را در راه آرمان‌های والای طبقه کارگر قهرمان می‌بیند. او را می‌شناسند و نخواستند که او را از طبقه خود ببرد و تمام استعداد دینرویی خویش را در راه‌های این طبقه تا به آخر انقلابی بیگار گرفت. آخر او کمونیست بود و رسانی این طبقه از بیوغ استثمار و برپا شدن جمهوری دمکراتیک خلق بر سر این طبقه و سپس نیل به سوسیالیسم، همه آرزویش بود و به همین دلیل هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی او را دشمن خویش نامید و کینه طبقاتی خود را علیه او و دیگر کمونیست‌ها و انقلابیون نشان داد و سرانجام او را که استوار در سنگر سازمان بیگار می‌رزمید به جوخه آتش سپرد. اما این راه‌سرخ و پیروز مندر را رهروانی چون او همچنان ادامه می‌دهند و دوسریه‌داری را به زباله‌دان تاریخ خواهند افکند و پرچم‌سرخ و ظفر نمون سوسیالیسم را بر قلعه این سرزمین برخواهند افراشت. این آینده‌ای حتمی است.

رفیق کامیار در سال ۱۳۳۱ در سنندج، در خانواده‌ای متوسط، متولد شد و پس از طی دوره ابتدائی، در تهران وارد دبیرستان هدف گردید. استعداد دیرینه رفیق او را همواره از شاگردان ممتاز کلاس قرار میداد. در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده هنرهای تزئینی گردید. اگرچه محیط دانشکده از نظر سیاسی محیط فعالی نبود و جوی شدیداً بورژوازی داشت ولی او تعهدات شایسته‌ریا ناتی مبارزاتی درون جامعه و تضادهای مبارزه طبقاتی و آشنائی ای که به عنوان یک روشنگر با ما رگسیم لنینیسم در او اواخر دوره تحصیلی پیدا کرده بود به مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه‌خائن روی آورد. رفیق کامیار از همان ابتدا با مشی چریکی مرزبندی داشت و پیروزی انقلاب را در شکل ورهبری طبقه کارگر میدانست. در این هنگام بعلمت نداشتن ارتباط با سازمانهای انقلابی و کمونیستی برای تدارک کار در بین طبقه کارگر، کلاس درس را

کارگران جای داشت و کارگران در جواب شما می‌بایستی ها و لیکن بیگاری به هائی مزدوران سرمایه با گفتن درود بر بیگاری مشت محکم می‌باران دهان آنان می‌گوسیدند. رفیق کامیار در کارتون‌های شوراهای کارگری شرق تهران فعالیت شرکت می‌نمود. فعالیت مبارزاتی و پیگیرانه وی با خطوط انحرافی در کارتون‌های شرق تهران و تلاش در راه ایستادگی اتحادیه‌های کارگری نمونه‌ای است از خط صحیح مبارزاتی که او در راه ایستادگی در کلاس کارگر کشته شد. است اسحاق میداد.

رفیق کامیار نسبت به جمعیت‌های از سر بیست، برخوردی انقلابی و مسئولانه داشت که نمونه آن‌ها را می‌توان در جمعیت‌های از حرکت بیگاری ساله در کارتون‌های شرق تهران که در چند شماره این پیگاری به دست آمد، رسید، مشاهده کرد.

نقطه نظرات رفیق کامیار همیشه برای رفقا آموزنده و عموماً از مضمونی انقلابی و کمونیستی برخوردار بود. نقطه نظرات رفیق به جهت کمب قدرت سیاسی و ضرورت ایجاد دستک‌های توده‌ای عموماً پیشروانه بود. وقتی جنگ بین ایران و عراق آغاز شد از اولیین رفقای بود که بر ارتجاعی بودن این جنگ پافشاری میکرد و بر سر آن به مبارزه ایدئولوژیک می‌پرداخت. دیدن بازگشته رفیق و انسجام قابل توجه او در مواضع ایدئولوژیک، او را در تحلیل‌های سیاسی و اتحادیه‌های تاکتیکی مبارزاتی یاری می‌نمود. سمت‌گیری رفیق کامیار به سمت طبقه کارگر با عت می‌گفت که همواره در این نقیصه صفت خود بخوبی انقلابی و پیشرو بود. در دوران خود او چه در سازمان سیرجان به مبارزه برخیزد. رفیق کامیار از اوایل سال ۵۹ بعنوان کاندید عضو سازمان فعالیت می‌نمود.

کارگران و زحمتکشان رژیم سرمایه‌داری و ارتجاعی جمهوری اسلامی دشمنان طبقاتی خود را خوب می‌شناسند و آنها را از سنگر شما می‌باید، ما کمونیست‌های مثل رفیق بیگاری در میدانهای تیر نیز هم‌سایه می‌آفرینند. ۱۲۰ مرداد رفیق کامیار بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی همراه با یازده رفیق هم‌زمینش شیریان شد. ما با ایمان به راه او و هم‌زمانش، با پیروی هر چه مصممانه تر به سوی سوسیالیسم با دوی رادرفیلما مان زنده‌نگاه خواهیم داشت و کینه‌ها و طبقاتی خود علیه سرمایه‌داری را که با از دست دادن این لاله‌های سرخ انقلاب آتشین تر شده و سیاق یافتند است به نیروی فنانا پذیر

ترک گفت و ناگزیر ابتدا به سرای رفت. در دوره نظام وظیفه هرگز از عشقی که به ره‌های طبقه کارگر داشت غافل نشد و هنوز از این دوره راه به پایان نبرده بود که در یک کارگاه تراشکاری مشغول کار شد. در این زمان، با او جگری جنبش توده‌ای، او همراه با دانشجویان مبارز برای تبلیغ مواضع کمونیست‌ها به کارخانه‌ها می‌رفت و با تکثیر و پخش اعلامیه بطور مخفی، بذراگای رادر میان توده‌های کارگر و زحمتکش می‌پاشید. در روزهای قیام بهمن، با قلبی پر از کینه علیه بورژوازی در عمارت دره‌الطحا از پادگانها و در هم کوبیدن ارتش این ابزار سرکوب بورژوازی، فعالیت شرکت کرد.

از این تاریخ رفیق کامیار با تمام وجود، به مبارزه‌ای بی‌امان علیه رژیم بورژوازیستی جمهوری اسلامی ادامه داد. رفیق ب منظور فعالیت در جهت تشکیل کردن طبقه کارگر و فراگیری ویژگی‌های مبارزاتی آن بدنبال کار در کارخانه رفت و پس از چندی در کارخانه ایران والونو، در شرق تهران، مشغول بکار شد. هم‌زمان با کار در کارخانه، رفیق کامیار به ضرورت کار با یک تشکیلات مارکسیست - لنینیست بعنوان شرط لازم برای ارتقا مبارزه‌پی برد و پس از بررسی مواضع گروه‌های مارکس و انگل سال ۵۸ سنگر سازمان بیگار را جهت ادا مبارزه پیگیرانه و انقلابی مبارزه برگزید و کار تشکیلاتی با آن آغاز کرد و همواره از مواضع سازمان انقلابی و کمونیستی خود دفاع نمود. در مدت زمان کوتاهی که در کارخانه ایران والونو کار می‌کرد پیوندی عمیق بین خود و کارگران بوجود آورده بود و بطوریکه خیلی زود نقش بی‌زرفیق در رهبری مبارزات کارگران آشکار گشت. کارگران ایران والونو هیچگاه چهره بی‌رحمیت رفیق را نسبت به خود و خشم و کینه عمیق او را نسبت به سرمایه‌داری و نوکراتش هرگز فراموش نخواهند کرد. نام علی (کامیار) در کارخانه در قلاب

نگ و نفرت بورژوازیستی، عامل کشتار صدمه

کمونیست و انقلابی

بقیه از صفحه ۱۶ نظماً با هم
 - ادا به فعالیت و گسترش آن پس از قیام و با آخرین دستورات تشکیلات هواداران پیکار در کارشان - رشد بیشتر در زمینه های فکری و فنی و گسترش فعالیت بین ملتین و بهینه کردن مسئولیت ها در بین معظمین هواداران زمان
 - ادا به فعالیت انقلابی و کمونیستی در مدرسه ها، در کارگاه ها و بیابان توده ها با بخش شنا هم
 - برخورد های میدانی رفیق موجب شد که با اولیای بیگانه ای بیگانه محول شود و با عضویت هیئت تحریریه پیکار در کارگاه ها و هسته مرکزی تشکیلات هواداران در کارشان درآمد
 - رفیق یک عنصر پیشرو و دارای برخورد پرولتری بود و در جهت رشد و گسترش تشکیلات در بین کارگران و دیگر زحمتکشان فعال بود
 - ارتجاع مثل گرگ ها در دنبال این رفتار بود. در ۷ تیر رفیق عطا ناظم زوی دستگیر و در ۱۴ همان ماه در حالیکه عا تقا نه از ایدئولوژی پرولتاریا و سازمان خود دفاع میکرد همراه با رفقای به سرگرم گونیست بودن تهر باران گردید. یادش گرامی باد!

عزیز تهرانی



- تولد در خانواده ای فقیر و گود - نشین و آشنائی با تمام طبقاتی در جامعه
 - گرفتن فوق دیپلم پس از تحویل سحتی های فراوان معیشتی در منزل تحصیل و شروع به کار در رهنرستان در کارشان
 - در نتیجه برخورد توده ای، بیین دانش آموزان پایگاه قابل توجهی می یابد و میتواند آسایش های مبارزاتی خود را بین آنان تبلیغ کند.
 - پس از قیام به جمع هواداران سازمان می پیوندد و به کلیه فعالیتها نظیر بخش بطور حرفه ای میپردازد
 - رفیق در کوهنوردی و دیگر فعالیت های جمعی بسیار فعال و دارای دید توده ای و طبقاتی بود و با تربیتی که در طول مبارزه یافته بود میتواند به صورت یک مبلغ موفق در بسیج و تشکل حرکت های توده ای درآمد. در بین دانش آموزان نیز، رفیق به فعالیت های کمونیستی و انقلابی شایان توجهی دست زده بود.

رفیق در تظاهرات و اعتراضات او آخر خرداد ۶۵ دستگیر و در ۱۴ تیر ماه بدست آنها که دشمن شماره یک کارگران و زحمتکشان ایران هستند یعنی رژیم جمهوری اسلامی تهر باران گردید.

یادش گرامی باد!

فرزانه صدقی



- رفیق فرزانه بعنوان یک رفیق پیرو و دارای دید توده ای و انگیزه انقلابی پرولتری در سال ۵۹ به تشکیلات هواداران پیکار در کارشان پیوست.
 - در طی این دوره از فعالیت خود در حالیکه به عمل معلمي اشتغال داشت توانست در تبلیغ نظرات سازمان بین دانش آموزان، جوانان و توده های زحمتکش فعالیت کند و در هر هفته ۲ تا ۴ شب را به بخش و شمار نویسی میپرداخت.
 - روحیه تفرضی و طبقاتی رفیق که با آموزش های کمونیستی سازمان پرورش می یافت نه تنها در مدرسه و اجتماع بلکه پس از دستگیری نیز همچنان با او و تورا انگیز بود. دفاع او از ایدئولوژی و آرمان پرولتاریائی قهرمان دفاع او از مواضع سازمان (که در روزیم جنا پیکار نیز از آن به عنوان مدرک جرم یاد کرد) نشانگر روحیه رفقای کمونیستی است که پیکار در راه آزادی طبقه کارگر را تا پای جان ادا می دهند.
 - رفیق در ۱۴ تیر ماه با دیگر رفقای همزنجیر خود به شهادت رسید. خاطرهای گرامی باد!

مسعود صدقی گودرزی



- از قیام بهمن به بعد، رفیق از هواداران سازمان چریک های فدائی خلق بود تا اینکه در سال ۵۹ با مشی چریکی مرز بندی کرده و به هواداران سازمان پیکار پیوست. رفیق که قبل از این بصورت فعال در مبارزه طبقاتی شرکت فعال داشته و به بخش و شمار نویسی و تبلیغ نقطه نظرات مبارزاتی میپرداخت از سوی ارتجاع شناخته شده بود و لذا یکبار در روستان ۵۹ دستگیر شد ولی علیرغم آنکه هیچگونه تعهدی ندا در رژیم ناکزیر او را آزاد ساخت.
 - رفیق روحیه ای تفرضی و خستگی ناپذیر و فداکارانه داشت و برای تبلیغ مواضع کمونیستی سازمان خود بیخ کارگران و زحمتکشان از کلیه وسایل ممکنه استفاده میکرد رفیق در فضای چهره ارتجاع و بر ملا کردن ماهیت سرما به دارانه رژیم برای توده های زحمتکش فعالانسه کار میکرد.
 - رفیق مسعود صدقی به وظایف کمونیستی و انقلابی خود تا زمانیکه دستگیر شد (تظاهرات و اعتراضات خرداد) و صحنه در زندان و فدا دمانند

از گدو پیوستن دیگر

از گدو پیوستن دیگر

در زیر، سندی با شکوه و خونین از کمونیستی پیکار در کارگاه ملاحظه میکنید. این سند و سندی های دیگر نظیر آنرا تاریخ جنبش کمونیستی صیبن ما، تاریخ مبارزات پر شور کارگران قهرمان ما بر تارک خود بدون ستاره ای سرخ، برنگ خون نقش خراشید است. این وصیتنامه ها و پیا پیا که در آستانه مرگ، در فاصله شکست ها و پیروزی ها، اقدام، چون کتیباتی با و دان بر پیشانی تاریخ مبارزات کارگران، به سر خورده مقام عظیم کارگران و زحمتکشان میهن ما با بیگانه و دشمنان و با استخوانهای مردند از شکست میفرستد. جاودانه و ماندنی است تا بر سینه و بازوان سیر و سندر و پرافتخار جمهوری دموکراتیک خلق و ایران سوسیالیستی بدرخشد و پیروزیهای طبقه کارگر قهرمان ایران را بر پهنه تاریخ رقم زند. رفیق منمده حسین خراسانی از زمان دانش آموزان و دانشجو - یان پیکار در روزیم مرداده ۶۵ در شهر قم بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسید. این وصیتنامه گویا در رفیق، با امضای مستعار حرد فریدالدین موسوی، قبسل از دستگیری نوشته و تا مفاسسه در شما سرور به جنگ جلادان خونخوار رژیم افتاده است. اینک وصیتنامه یک نوجوان کمونیست:

"خیال میکنید یا کشتار و اقدام رهبران راه آزادی طبقه کارگر، سیستم پوسیده و منحط خود را از مرگ حتی نجات خواهید داد؟ خیال میکنید خواهی توانست برای همیشه کارگران را استتار کنید؟ زهسی خیال باطل! ایما بنا نید هر قطره خون ما خود را خگری اصم بدامن ارتجاع. روزی شما مدرسه کسب هزاران اخگر از لوله تفنگ حزب کمونیست بسوی پیکر فراتوت سرمایه شلیک خواهد شد و برای همیشه شما را به گورستان تاریخ خواهد سپرد! وصیتنامه من (سر با ز سزاده ارتش سسرخ):

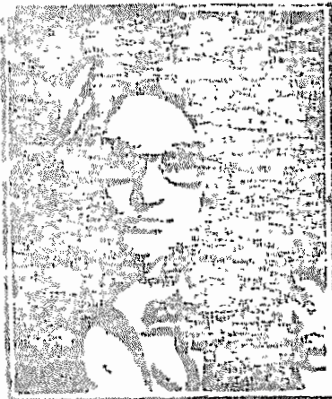
صبحگاهان هنگام سیکه کارگران خواب آلود و خسته با سوت کارخانه بیدار میشوند، در میدان وسیع با چشم و دستانی با زاعدا ممکنید. پیروز یا دییکار سرخ کار علی به سرمایه

فریدالدین موسوی ۶۵/۴/۳

و سر فرزا و میدول به پیروزی و شرف طبقه کارگر و برک را پذیرا گشت. (۱۴ تیر ۶۵)
 - شنگ بر آمدن کارگران رژیم سرمایه دار جمهوری اسلامی، پیروز روز با آرزمان شهدای بیغون هفته خلق.

پیشگام سرخ، رفیق شهید ازگاشان

شماره ۹۳



گفتنی‌های پیکارگرها :

احمد رضا شفیع زاده
مطالعات نظری
تربیتی
سر راه سوسیالیسم
سوسیالیسم
(از پیشگام سرخ مواد سازمان در
تاشان)

چاره‌ای جز بر راه انداختن این
حماهای خون نیست. یک قدم عقب
نشینی مساوی با مرگ رژیم است.
این است که برای ادامه همین
سیاست نا بودگرایانه به هر جناحی
دست میزنند و برای توجیه آن به هر
خس و رجا شاکلی چسب میزنند و ارتجاعی
ترین و خرافاتی ترین عقاید
قرون وسطائی و حتی وحشیانه تر از
آنها را به کمک میگیرند و بساط ریاء و
تزویر و دروغ را تا آنجا که گم‌گشته
نظیرش را در تاریخ میتوان یافت
پهن میکنند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
چون طاعون به جان انقلاب کارگران
و زحمتکشان میهن ما افتاده است
و گلهای سرسبز انقلاب را کدر
سوزان بارز چند سال گذشته
شگوفان شده اند به نایاب بودی شهید
میکند رژیم خمینی و وحشیانه هجوم
می آورد می سایدترین احکام
اندام دستچشم را در سلخ خانه های
سودا سر راه اجار می آورد و این
تشیار راه است! رژیم ارتجاعی
شکست خورده و منته وجودیت خود را
در خطر می بیند. سرمایه داران
استشارگران و دیگر طبقات ارتجاعی
و حتی کار رده ها متخوان نشان بر سر
هیچ اصلی را جز سرکوب و بقیسول
ها نمی رفسنجایی خان، جز "قلع و
شمع قاطعانه" (کیهان ۱۱ مهر)
نمی توانند به رسمیت بشناسند. در
سراسر انقلاب توفند کاکارگران و
زحمتکشان و مبارزان نیرومندی
گم‌گشته و انقلابی رژیم را

اما ملوفان انقلاب و سبیل
خروش و و بنیان کن آن مجالسی
چندان برای رژیم باقی نگذاشته و
دیر یا زود با یخ راه سرنگونی و
اضطلال تاریخی خود را پیاپی
برسانند.

هزاران شهید کمونیست و
انقلابی در راههای اخیر بدست
جلادان رژیم خمینی خون پاکشان
بر زمین ریخته است که هر یک نمونه
ای مجسم از آرمانهای انقلابی
کارگران و زحمتکشان میهن ما
دستند. در این صفحده به معرفی کوتاه
پنج رفیق شهید پیکارگر مبارز
با علم به اینکه این سطور هرگز
نظریت آنها را در نگاه بعد از زو
مقاومت و آرمان آن رفقا را بخوبی
منعکس نماید.

احمد رضا شفیع زاده



از بنیانگذاران هسته هواداران
پیکار در کاشان و مسئول تبلیغات
و بخش کارگری آن بود.
قبل از مهاجرت دانشجوی هوادار
بخش منجم از س.م.خ. در آمریکا
سرد و با او همکاری جنبش سوسیالیستی
در س.م.خ. را قطع کرد و به ایران آمد و با
عضو از همکاران خود در آبادان به
تشیار راه است. انقلابی پرداخت.
تکمیل و پیش اعلامیه ها و نشریات
و گفتارهای رادیویی بخش
منجم و سپس سازمان پیکار از
فعالیتهای رفیق شفیع بوده. او در
سازمان توده ای و نظریه های
تبلیغی شرکت فعال داشت و سخن
رانی او در تظاهرات توده ای سه
سال است فاجعه سینما رکس آبادان
برای بسیاری از کسانیکه در مراسم
مورستان تاشان حضور داشتند

خاطرها سگیزا است.
حجمی که رفیق در رابطه با آن کار
میکرد در قیام مطحانه بهمن شرکت
فعلی آن نموده پس از تشییع آنی که
در آن جمع حاضر شد، بهمنی در
زمستان ۵۸ رفیق در رابطه مستقیم
با سازمان پیکار قرار گرفت و به
تشکیل هسته هواداران سازمان در
کاشان پرداخت.

در اوایل زمستان ۵۸ جنبشی
کارگران پیکار در کاشان را سازمان
دهی کرد و به عضویت شورای کارگران
انتخاب شد و در همین حال و در کنار
فعالیت خستگی ناپذیر خود، به
کار انقلابی آگاه کارگران در پیوستن
جوانان و دانش آموزان کاشان در
روستای آبپاش که زادگاه هشت
بود می پرداخت.

در بهار ۵۹ در کاشان راه پیوستگی
(سالن شماره ۲) کاشان به کارگری
مشغول شد. کارگران مبارز و
شریف سالن شماره ۲ هیچگاه
اعترافات رفیق به کارفرمهای
ذالوصفت و دفاع رفیق از منافع
کارگران را از یاد نمیبرند.
رهنمودهای رفیق برای پیشبرد

تولد در سال ۱۳۲۲ در کاشان
پرداختن به مشغول معلمی پس از
تاشان
درک بیشتر تا براساسی چا
سرمایه داری و دانش نامه
تشیار راه و کتابهای سیاسی
سازمان

سازمان کارگری کاشان به
موفقیتها شدی برای کارگران
و به محبوبیت او بین کارگران
- علاوه بر این فعالیتها در
انجام وظایف انقلابی خود نظیر
شیار راه و نشریه های سازمان
اینگونه فعالیتها سرچشمه
- او پیکار در تاشان ۱۹ بار
شهید عزیز شفیری دستگیر
از جنبش آزاد گردید. او در زندان
نیز به مبارزه ادامه میداد.
تبلیغ خط مشی سازمان و مبارزه
رویز به تشییع و جریانات
نظریاتهای اکثریت پیگیر
فعال بود.

رفیق بار دیگر سیزده شهریور
با ربهون مخالفت به زندانی
محکوم شد. رفیق سوزنا و
سازمان در زندان را برپا کرد
مذاشی را رهبری نمود و ارتجاع
هراسان از وجود او در کاشان
راه و این فرستادن پس از
به سلول انفرادی سرکاشان
بازگردانده شد.

زندانیانی که آزاد میشدند همه
از روحیه مقاومت حماسه آفرینان
یاد میکردند. دستار کمونیستی
و انقلابی رفیق و کارسی وقفه و
آگاه کارها و تاشان بیسر
زندانیان گذاشته بود.
سراشیا مرفیق در ۱۲ تیر
۶۰، شایگانا همراه ۶ تن
زندانیان که چهار نفرشان از هم
سنگران خودا بودند به تهران
منتقل گشت و در آنجا بدست پادگان
چهل و سه و به حکمیت آگاه
خیمینی تشریحی شد.
خاطرها این مبارزها!

سرفراز بنیاد جمهوری دموکراتیک خلق ایران